

نابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم امریکا
وپایگاه داخلش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم - شماره ۱۰۷

چهارشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

بازهم درباره "مسئله" - وحدت اتحاد - مبارزه

از همان لحظه ارائه مقاله "مسئله وحدت" (مندرج در نبرد خلق ۲) به خوبی معلوم بود که این نوشته دیگر پاسخگوی نیازهای روز جنبش نیست و بایستی فصلی تازه درباره طرح عملی و مشخصی وحدت بخصوص در مورد اتحاد مبارزه بدان افزوده شود. این نیاز بویژه پس از آنکه تحلیل سازمان حکایت از رو با اعتلا بودن مبارزات توده‌ها میگردد و در نتیجه لزوم اتحاد تاکتیکی تعرضی را طرح مینماید، دوچندان شد. زیرا مسلم بود که در

شرایط پراکندگی حاکم برجانبش کمونیستی و وجود سازمانها و محفل، گروههای متعدد مدعی رهبری طبقه کارگر (!) از یکطرف و نبود پیوند عمیق و وسیع سازمانهای م - ل با توده‌ها و بخصوص طبقه کارگر از طرف دیگر، امر هدايت توده‌ها در مبارزاتشان و ارائه یک قطب انقلابی توسط یک سازمان به تنهایی بسیار مشکل و حتی غیر ممکن است، و برای بسیج و حرکت در آوردن توده‌ها بقیه در صفحه ۲

خجسته باد اول ماه مه
روز همبستگی جهانی
کارگران

درگزری، موبد بانکمتر
مراسم اول ماه
اندیشه‌های کارگر (بکوشم)

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال سوم - وینادور خنجر
اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

کارگران مبارز
روز مبارزه علیه امپریالیسم
اول ماه مه
روز همبستگی جهانی
کارگران

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

روز بزرگ
روز مبارزه علیه امپریالیسم
اول ماه مه
روز همبستگی جهانی
کارگران

روز بزرگ
روز مبارزه علیه امپریالیسم
اول ماه مه
روز همبستگی جهانی
کارگران

بازداشت و زندانی کردن سعید سلطانپور را محکوم می‌کنیم.

نزدیک به دو هفته از بازداشت خود سرانته سعید سلطانپور شا عرو هنرمند انقلابی، توسط رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد. در حالی که خبر بازداشت این شخصیت مبارز در سطح جهان نیز انعکاس یافته است، رژیم جمهوری اسلامی از هر گونه اظهار نظری در این مورد خودداری کرده است. علت این مسئله نیز روشن است. سران جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند، که سعید سلطانپور با طرز مبارزاتش علیه رژیم شاه و ایمانش بتوده‌ها، در میان مردم میهن ما از محبوبیتی ویژه برخوردار است، و بخاطر همین مبارزاتش در سطح جهانی نیز شخصیتی شناخته شده است. از این رو از انتشار خبر مربوط به بازداشت وی که در ادامه سیاست سرکوب و اختناق صورت گرفته، خودداری نموده است. بقیه در صفحه ۱۸

عملکرد بودجه ۵۹،
چشم انداز بودجه ۶۰
فقر برای زحمتکشان
ثروت برای سرمایه داران
صفحه ۱۳

برآوارگان جنگ چه
می‌گذرد؟
صفحه ۹

سابقه تاریخی
خیانت‌های حزب توده ۳
صفحه ۸

در این شماره

- جنبش جهانی
- از اعلامیه‌ها... کارگران پیشرو
- جنبش کارگری
- اخبار کردستان
- برآوارگان جنگ چه می‌گذرد؟

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

بازهم درباره "مسئله وحدت"...

بقیه از صفحه ۱

های هر چه وسیعتر لزوماً با بیستی دست به اتحاد عمل های مرتب زد.

از همه بخش های سازمان و اغلب رفقا شی که بنحوی در ارتباط با سایر سازمان های سیاسی بودند، بر لزوم تهیه طرح عملی و مشخص برای اتحاد مبارزه تاکید میشد و خاطر نشان میکردید که بعلمت نبود این طرح یا حرکت بیرونی سازمان دچار اختلال میگردد و بکنند پیش می رود و در نتیجه مبارزات توده ها پراکنده میمانند و در صورت انجام دچار اشکالات اساسی میگردد.

در جریان بحث بر سر برگزاری مراسم اول اردیبهشت و بخصوص اول ماه مه (یا زده اردیبهشت) بود که با درک ضرورت تدوین طرح مشخص اتحاد عمل با سایر سازمان های انقلابی، بحث حول تعیین معیارها و ضوابطی که میبایستی بر هراتحاد مبارزه ای حاکم باشد، آغاز شد. محصول این بحث های اولیه تعیین معیارهای زیر شد:

معیارهای مادر اتحاد - مبارزه

اگر چه تعیین سرنوشت هراتحاد مبارزه ای ب معیارها و ضوابط متعددی وابسته است و ظرافتها و دقت عملهای فراوانی را می طلبد. اما در بین آنها میتوان سه معیار زیر بر بیست آنها بعنوان اصلی ترین ضوابط تعیین کننده سرنوشت هراتحاد و مبارزه ای ذکر کرد:

الف: منشور (پلاتفرم): بجرات میتوان گفت که تعیین کننده ترین عامل هراتحاد و مبارزه ای و چگونگی تحلیل مشخص واحد سیاست واحد و معیار در دیگر پلاتفرم واحد می باشد. در مقاله "مسئله وحدت در نبرد خلق" ۲ بوضوح و بدقتات بر اهمیت این عامل تاکید کرده ایم و مثلاً نوشته ایم: "نیروهای مارکسیست - لنینیست با بدسیاست اتحاد عمل مشخص حصول سیاستهای مشخص در هر زمینه مشخص یعنی سیاست اتحاد و مبارزه را پیش ببرند... (صفحه ۸۹) بدین معنی که "هر اتحاد مبارزه مشخصی متکی و مبتنی بر سیاست مشخص در یک زمینه مشخص است که بصورت بیرونی عمل و سیاست حرکت تدوین می شود. و یا نوشته ایم "بنا بر این ضروری است که در هر عمل مشخص، سیاست معین ارائه دهیم و بحث برای توافق حول اجرای این

سیاست را با سایر نیروها پیش برده و عملی سازیم". (ص ۹۶) بدین معنی که هر مذاکره برای اتحاد عمل مبتنی بر سیاست معینی است که مملکت محصول تحلیل معین نیروهای شرکت کننده می باشد و وحدت در آن مقدمه و پایه شروع مذاکره برای اجرای آن است. همینجا با بیستی تاکید کنیم که "این شکل از همکاری با نیروهای مختلف مستلزم توافق بر روی کل سیاستها میان نیوده و توافق حول سیاست مشخص، در هر عمل مبارزاتی مشخص است". (صفحه ۹۴) این ضابطه (پلاتفرم واحد) تا بدان حد در تعیین یک اتحاد مبارزه نقش دارد که در صورت حصول حرکت با جریانهای انحرافی درون جنبش کارگری (آنا رشیستا) را نیز مجاز میشمرد. اصول حاکم بر این طرز تفکر عمل کردها و رهنمودهای بنیادگذاران سوسیالیسم علمی (مارکس، انگلس، لنین) است. ما نمونه هایی از آن را در همان نبرد خلق (صفحات ۷۷، ۷۸ و ۷۹) ذکر کرده ایم. بعلاوه مصوبات بین الملل سوم (۱۹۲۲، درباره "وحدت جنبه پرولتری") موبدهمین نکته است: کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیست پس از ارائه تحلیلی که حکایت از وخامت بحران جهانی، تغییر عواطف توده ها نسبت به توهیات رفرمیستی و درک لزوم وحدت عملاً (تحداً) از پایه ("توسط کارگران میکنند و تاکید میماند که کارگران امیدوارند که از این طریق ظرفیت و مقاومتشان در برابر فشار سرمایه داری افزایش دهند" به حزب کمونیست ای تالیبا توصیه میکند "... واضح است که حزب (کمونیست) ای تالیبا نباید از بذل هیچ کوششی در راه جلب عناصر انقلابی و انارشیمیسم و سندیکالیسم در عمل مشترک کوتاهی کند. (صفحه ۸)

ب: نیروی اجتماعی: همچنانکه در مقاله "بررسی اوضاع سیاسی رهنمودهایی به هراتاران" (کار ۱۰۲) نیز ذکر شده است "پایگاه و نفوذ توده ای" سازمانهای سیاسی در تعیین ترکیب نیروها در یک اتحاد عمل متکی بر پلاتفرم واحد نقش فوق العاده ای دارد. بطوریکه هرگاه نیروئی از کمیت و کیفیت کافی برخوردار نباشد نیروی اجتماعی نبوده، هویت سیاسی ایدئولوژیک معینی در سطح جنبش نداشته باشد، نمی تواند مورد توجه نیروهای سیاسی دارای وحدت تحلیل و سیاست مشخص قرار بگیرد. زیرا اهداف این نیروها از طرح اتحاد مبارزه رسیدن به کیفیت نوین بسیج توده ای و تاثیر حرکت بر توده ها می باشد. و هرگاه در اتحاد با نیروئی این کیفیت حاصل نشود، محرکی برای طرح اتحاد مبارزه باقی نمی ماند. ما در شرایط کنونی و با توجه به ضرورت طرح آلترنا تیو انقلابی، اتحاد عمل را، ازین زاویه با سازمانهای زیر

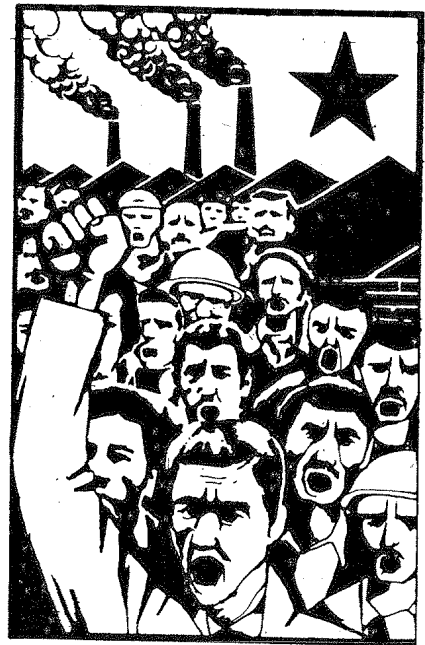
اصولی میداینم: "راه کارگر"، اکثریت جناح چپ، "سازمان پیکار مجاهدین خلق"...

ج: چشم انداز وحدت: از آنجا که هدف ما از اتحاد مبارزه ایجاد زمینه مناسب برای گسترش همکاری تا حد وحدت اصولی است چشم انداز وحدت نیز بعنوان عاملی دیگر در تعیین ترکیب نیروهای شرکت کننده در یک حرکت مشترک وارد می شود. ما در نبرد خلق (۲) این مطلب را بصورت زیر توضیح داده بودیم: "هدف مرکزی کمونیستها کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریاست و تحقق هژمونی پرولتاریا محور فعالیتها و آنرا تشکیل میدهند و اینست آن درس اساسی ای که نه تنها تئوریهای مارکسیستی بلکه تجربیات جهانی پرولتاریا بما می آموزد و عدم درک عمیق آن ما را به وحدت های بدون چشم انداز و تهی از مضمون حقیقتاً انقلابی سوق میدهد و بزیر پایه گذاشتن پرنسپبها و فرصت طلبی های لحظه ای خواهد کشاند" (صفحه ۷۴). مسلماً محصول توجه ما بین معیارها این خواهد شد که اساساً نیروهای طیف خط انقلابی (یا خط ۲) دارای میزبندی با سوسیال رفرمیسم از یکطرف و آنارکوسندیکالیسم از طرف دیگر یا مرزبندی با سوسیال رفرمیسم از یکطرف و سوسیال امپریالیسم از طرف دیگر (در حوزه اتحاد مبارزه ما قرار می گیرند. مسلم است که علاوه بر ضوابط و معیارهای اصلی فوق، عوامل متعدد دیگری نیز بعنوان معیارهای فرعی در تعیین ترکیب نیروها موثر است. از آن جمله میتوان از تاثیر حرکت بر توده های مردم، خط مشی سیاسی و حیثیت و سابق مبارزاتی نیروهای شرکت کننده در حرکت مشترک نام برد.

د: اتحاد عمل با "راه کارگر" و "جناح چپ" در اول اردیبهشت سالروزتهاجم دولت جمهوری اسلامی به دانشگاهها برپا به چنین اصولی بود که ما پیشنهاد راه کارگر و جناح چپ (پوستر مشترک) برای اتحاد عمل در این روز را پذیرفتیم زیرا بین ما و آنها بر سر شعار روز وحدت نظر وجود داشت (با زکشا) و دانشگاهها با نظام شوراها و علیرغم تحلیلهای متفاوت تاکتیک واحدی برگزیده شد. مثلاً یکی از دلایل ما در پذیرش این شکل فعالیت و نه اشکال فعالتر و موثرتر تبلیغ، توان محدود سازمان و لزوم تمرکز تمام نیرو برای برگزاری مراسم اول ماه مه بود. زیرا ما قبلاً در مقاله "طرح یک ضرورت، از آنجا که یک دستاورد" گفته بودیم که سازمانها با بیستی تمام نیرویشان را بر روی یک حرکت متمرکز نما بیند تا با زده و تاثیر مناسب و مطلوب از آن گرفته شود (ما هر سه جریان بر سر شکل تبلیغات (پوستر) بتوافق رسیده بودند.

بقیه در صفحه ۱۷

اعتصاب کارگران پارس واریکا برای بازگرداندن کارگران اخراجی



جنبش کارگری

کارگران مبارز پارس واریکا (تولیدکننده صنایع جنرال استیل، پروفیل آلومینیوم و غیره در پی اخراج ۳۱ تنماده شوراویک کارگردست به اعتصاب زدند. مبارزه برای بازگرداندن اخراجیها بسرکار همچنان ادامه دارد. دنبال افشاگریهای تعدادی از نمایندگان شورا در مورد سوء استفاده مالی نعمت زاده (برادر وزیر صنایع و معادن) مدیرمکتبی کارخانه وی از کاربرکنار میشود. بدین ترتیب کارگران با نیروی اتحاد و آگاهی خویش موفق میشوند این عنصر ضدکارگر را اخراج کنند. اما از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران و دشمن کارگران است مدیرمکتبی دیگری بجای او می نشاند. مدیر جدید از همان ابتدا چهره ضد کارگری خود را نمایان ساخته دستور اخراج ۳۱ نماینده شورا را میدهد. او از یک کارگر که سمت بازرسی و خروج کالا را داشت میخواند که از روز نمایندگان اخراجی جلوگیری کند. اما کارگر مذکور که به ما هیت ضد کارگری این امر خوبی پی عیب برد، از اینکار خودداری کرده و مدیر وی را نیز اخراج میکند این حرکات ضد کارگری خشم توده کارگران را برانگیخته آنان روز شنبه ۱۱/۱۵ دست از کار کشیده و خواهان بازگشت اخراجیها میشوند. مدیری به ارگانهای سرکوب متوسل شده و ابتدا دویا سدا ربه کارخانه می آیند ولی تهدیدهایشان بی نتیجه می ماند. معاون کارخانه در یک جلسه سخنرانی میگوید: هر کس اعتصاب کند ضدا انقلاب است. کارگران فریاد میزنند: ضد انقلاب خودتی و با هو کردن اودسته دسته از جلسه خارج میشوند. فردای آنروز نیز اعتصاب کارگران ادامه می یابد. دو کامیون پرازی سدا ران به در کارخانه می آیند، اما کارگران بی اعتنا به آنها و همچنان مصمم به مبارزه ادامه میدهند. نماینده اخراجی پس از مذاکره با مدیری به کارگران میگوید: سرکارها بازگردید تا نتیجه مشخص شود. کارگران تا ۱۱/۱۷ برای بازگرداندن اخراجیها

روز شنبه ۱۱/۲۹ ۰۶ کارگران قسمت تکبش کارخانه ب مدت یک ساعت دست از کار کشیدند و از روز یکشنبه کارگران کارخانه که به وعده وعیدهای دروغین مدیران و اعضای شورا پی برده بودند و یکبار چپ دست به اعتصاب زدند. اعضای سازشکار شورا و انجمن اسلامی به شیوه های گوناگون متوسل شدند تا اعتصاب کارگران را در هم شکنند اما پاسخ کارگران این بود که "هرموقع ۲۰ روز حق تولید ما را پرداخت کردید ما هم دست از اعتصاب برخواهیم داشت. ساعت ۳ همگان روز مدنی یکی از اعضای هیئت مدیره برای کارگران پیامی فرستاد که "کارگران باید دست از اعتصاب بردارند و اگر اعتراضی دارید می توانید از طریق تولید بیشتر نشان دهید" او در پیایش خطاب به کارگران گفت که "در همین ۶ ساعت در حدود ۱۴۰۰۰ جفت کفش ضرر داده ایم" کارگران در پاسخ می گفتند: اولاً چرا نمی آیی تا حرفهایت را در جمع کارگران بزنی تا نایا ما که در تمام طول سال ۵۹ جان کنده ایم و تولید کرده ایم، ۲۰ روز حق تولید حق مسلم ما کارگران است. انجمن اسلامی کارخانه در صدد برآمد تا از طریق تفرقه اندازی بین کارگران اعتصاب را درهم شکند آنها می گفتند: "اعتصاب را کمونیستها راه انداخته اند" اما کارگران با اتحاد یکبار چپ خود تمام نقشه های مدیریت و انجمن اسلامی را نقش بر آب کردند اعتصاب روز دوشنبه نیز ادامه یافت. در این روز مدیریت با همکاری انجمن اسلامی مانع ورود ۲ تن از کارگران به کارخانه شد. کارگران متحدانه طرف در کارخانه میروند تا دو همکار اخراجی خود را به کارخانه بیاورند. گردانندگان کارگران با ممانعت نگهبان کارخانه، روبرو می گردند سپس کارگران نمایندگان انتخاب کردند. مدیر کارخانه کارگران را تهدید بیه اخراج می کند همزمان با آن اعضای سازشکار شورا و انجمن اسلامی و سرپرستها دستگایها را روشن می کنند و کار را شروع می کنند کارگران نیز بدون نتیجه به سرکارها می گردند کارگران مبارز جم در این دو روز بعینه دیدند که مدیران و انجمن اسلامی همراه با اعضای سازشکار شورا صف متحدی در مقابل آنها تشکیل داده اند کارگران در این مبارزه در عمل به ما هیت سازشکارانه برخی از اعضای شورا پی بردند. کارگران در جریان مبارزه برای کسب خواسته های خود با ید در جهت تشکیل شورای انقلابی اقدام کنند آنها با ید قدرت پراکنده خود را حول یک شورای انقلابی متمرکز کنند. تنها مبارزه متحد و متشکل کارگران ضامن پیروزی آنهاست.

مهلنت داده و میگویند پس از آن همچنان به مبارزه ادامه میدهند. اعتصاب برحق کارگران مبارز پارس واریکا مشتمل بر حکمی برده های سرمایه داران و رژیم حامی آنها بدین ترتیب در عمل نشان دادند که به منافع خویش بیش از پیش آگاه شده و در مقابل آنها جزم سرمایه داران به حقوق و سرکوب سازشکاران به مقابله بر می خیزند. کارگران مبارز تنها با عمل مستقیم و انقلابی خویش و تنها با اتکاء به نیروی بی پایان خود خواهند توانست اخراجیها را بسرکار بازگردانند و صف متحد و متشکل خویش را در برابر سرمایه داران حفظ و تقویت کنند.

اعتصاب دوروزه کارگران جم

کارخانه جم یکی از کارخانجات گروه صنعتی کفش سازی بلا است که کارگران این کارخانه از ابتدای سال نورمبارزات گسترده ای را جهت گرفتن ۲۰ روز سود ویژه (حق تولید) آغاز کردند. کارگران به اشکال مختلف دست به مبارزه زدند. سرانجام



باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

گرامی باد سالروز

مبارزه دلاورانه کارگران جهان چیت

اما عزم را سخاوتاً دگرگان جهان چیت قدر نمند ترا آن بود که بتوانند سدره آنها شوند. کارگران ما مورین درگیر می شوند، آنها موفق می شوند ژاندارمها را بگوشه ای انداخته و تفنگهای آنها را بشکنند. راهیما ثانیاً ما می یابید. در میان راه در بکارخانه ها را بسته بودند تا ما را کارگران دیگر به آنها ببیوندند. اما کارگران از پشت میله های کارخانه با تکان دادن دست به حمایت از راهیما یا ن می پرداختند. دولتیان و عمال قاتح یزدی در بین راه بیش از ۱۰ بار جلوی کارگران را میگیرند و با وعده و وعید قصد متفرق کردن آنها را دارند. اما راهیما ثانیاً همچنان ادامه می یابد. حدود ۵ ساعت می گذرد. کارگران به کارونسرا سنگی می رسند. ما موران یزدیم با جوب به کارگران حمله می کنند. درگیری مجدداً آغاز می شود. کارگران نیز با سنگ به آنها پاسخ می دهند.



کارگر شهید وجیه الله حشم فروز

تاریخ مبارزات طبقه کارگر همواره سرشار از خون و حماسه بوده است. مبارزه دلیرانه کارگران جهان چیت در ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ که توسط مزدوران یزدیم محمدرضا شاه به خون کشیده شد یکی از این حماسه ها در تاریخ جنبش کارگری کشور ما است. آنروز جا ده کرد در زنگارهای استوار پولادین کارگران جهان چیت می لرزید. طنبن را هیما ثانی شکوهمند بیش از ۲ هزار کارگر همچون پتک بسر نظام سرما به داری کوفته می شد. کارگران در هر قدمی که به پیش بر می داشتند با سربهای افراشته ضربه جدیدی از اردوکار به کار خسرما به وارد می کردند. مزدوران آریا مهری که با وحشت زیاد به تکاپو افتاده بودند دیگر برای تحمل نداشتند آنها که نتوانسته بودند از راهیما ثانی معمولی عزم را سخاوتاً دگرگان جهان چیت بشکنند. همچنان که ما هیت نظام سرما به داری در اینگونه لحظات ایجاب می کند

دا دارد، صفحه زرین دیگری بر تاریخ جنبش کارگری اضافه شد و آن را غنای بخشید. بدین ترتیب مبارزات ۸ اردیبهشت سال ۵۰ کارگران جهان چیت جاودانه شد و همواره نیز جایگاه والای خود را در تاریخ جنبش کارگری حفظ خواهند نمود.

در ۸ اردیبهشت سال ۵۰ فشا راقتمانی طاقت فرسا شده بود. کارگران که دیگر تحمل این همه فشار را نداشتند برای عمده ترین خواست خود یعنی افزایش دستمزدها دست به اعتصاب می زنند. آنها ۳ روز اعتصاب خود را در کارخانه ادامه می دهند، فاشا تحریزی را حاسب کارخانه جهان چیت کرچ که همچون زالو از میکیدن خون کارگران، سرما به هنگتی بهم زده بود، با استقاده از رنگهای فریب و سرکوب حاکمیت و عمال خود می کوشد تا اعتصاب کارگران را درهم شکند. او می گفت: "اگر قرار باشد تمام سرما به امرا بدولت بدهم تا شما را سرکوب کند، می دهم ولی حقوق شما را اضافه نمی کنم." اما فشا رقاقت فرسای کارگر می دستمزدها آنچنان بود که دیگر حیلها و تهدیدات اشتری نداشتند. تحمل کارگران ندیگر تمام شده بود. آنها تصمیم می گیرند بطرف وزارت کار در تهران حرکت نمایند. روز هشتم اردیبهشت ما راهیما ثانی آغاز می گردد. در جلوی شهر داری کرچ زندارما ما تع حرکت کارگران می شوند.



کارگر شهید علی کارگر

وحشیانه کارگران را به رگبار گلوله بستند. ۳ کارگر شهید شد و بیش از ۱۴ نفر زخمی شدند. خون کارگران بر آسفالت جا ده کرچ نقش بست. طنبن گامهای پولادین کارگران با خون همسنگران نشان درهم پیوست و برخلاف تصور رژیم خونخوا را آریا مهری که فکر می کرد می توان آنها را برآ همیشه از حرکت باز



کارگر شهید حسین نیکوکار

ناگهان بتیراندازی شروع می شود. علی کارگر، حسین نیکوکار، وجیه الله حشم فیروز ۳ تن از کارگران جهان چیت در برآر گلوله های درخیمان رژیم آریا مهری بخون می غلطند و ۱۴ کارگر دیگر زخمی می شوند. رژیم حافظ منافع سرما به داری بدین ترتیب یکبار دیگر نشان می دهد که با سخاوتاً دگرگان جهان چیت در مبارزه با دشمنان می تواند

بقیه در صفحه ۱۵

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



از: اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

مقابل این اقدام ضدکارگری هرچه بیشتر به اعتراض و مبارزه پرداخته و متحد و متشکل مانع افزایش ساعت کارمان شویم. ۴۰۰ ساعت کار، ۲۰ روز تعطیل در هفته، حق مسلم کارگران است.

تهران

★ ایران ناسیونال

"با اتحاد یکپارچه تاکسب خواست هاییمان مبارزه را ادامه دهیم" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو ایران ناسیونال منتشر نموده‌اند. آنها ضمن اشاره به زیاد شدن ساعات کار و تلاش مدیران ضدکارگر برای استئما هر چه بیشتر کارگران می‌نویسند: "ما با اعتصاب سه روزه خودتشان دادیم که تنها کارگران متحدانند مدیران و دولت حامی آنها را بزانو درآورند. در جریان اعتصاب پی بردیم که اگر بخواهیم مبارزاتمان را پیگیر و یکپارچه ادامه دهیم باید با انتخاب نمایندگان واقعی شورای انقلابی کارخانه را تشکیل دهیم."

* * *

★ ارج

کارگران پیشرو ارج در قسمتی از تراکت خود تحت عنوان "متحد و متشکل مانع افزایش ساعات کار شویم" پیاز اشاره به افزایش ساعات کار می‌نویسد: "سرما به داران رژیم‌ها می‌آنها تنها با بفرگرافه کردن تولید در نتیجه برکردن جیب‌های گشادشان هستند... آنها برای فریب کارگران شب‌کار گفته‌اند که به ساعت ۱۳ ساعت کار در هفته اضافه کاری تعلق می‌گیرد. در حالیکه مزده ساعت باید حداقل زندگی کارگران را تامین نماید و تمام مزایای کارگران باید پرداخت گردد تا کارگران اشتیاج به جان‌کندن بیشتر نداشته باشند. در

تشکیل می‌دهند و وزارت کار؟ و چنین ادامه می‌دهند: "هما نظور که اطلاع دارید وزارت کار در جلسه‌ای که نمایندگان شورا داشته مطرح کرده است که شورا را به رسمیت نمی‌شناسد. در پی این مسئله مدیران ضدکارگر از فرصت استفاده کرده و خواستار انحلال شورا شده‌اند... آنها خواهند که تشکیل شورای بی نظارت وزارت کار شده‌اند. در قسمتی دیگر از اعلامیه می‌نویسند: "ما می‌گیریم: نمایندگان باید وسیله خود کارگران انتخاب شوند. نمایندگان شورا باید از منافع کارگران در مقابل سرمایه‌داران دفاع کنند. باید در مورد اخراج و... نمایندگان شورا تصمیم بگیرند... حال که نمایندگان سازشکاری چون مهرانی و رضاخانلو با قرار گرفتن در کنار مدیریت و وزارت کار حمایت خود را از آنها اعلام کرده‌اند ما نیز با انتخاب نمایندگان واقعی خود شورا را به سنگری دیگر از مبارزه بر علیه مدیران و دولت حامی آنها تبدیل کنیم"

* * *

★ پارس الکتریک

مبارزه خود را برای تشکیل شورای انقلابی بر علیه وزارت کار گسترش دهیم. کارگران پیشرو پارس الکتریک در اعلامیه‌ای تحت این عنوان می‌نویسند: "عدم شرکت اکثریت کارگران در انتخابات شورا باعث شده که نمایندگان سازشکاری چون بدرون شورا راه یابند. اولین حرکت شورای جدید تقاضا از وزارت کار برای نظارت بر کار شورا است. این عمل در خدمت چه کسی است؟ وزارت کار در خدمت کیست؟ "در ادامه به افشای سیاستهای ضدکارگری وزارت کار و خدمات این ارگان به سرمایه داران پرداخته و سپس می‌نویسد: "هنگامیکه برای تشکیل یک شورای انقلابی، هیئت نظارت تشکیل دادیم وزارت کار طرح نظارت بر انتخابات شورا را با همکاری سپاه ساداران ریخت... کارگران می‌گویند: اولاً نمایندگان شورا باید آزادانه توسط کارگران انتخاب شوند. ثانیاً تنها کارگران حق نظارت بر کار شورا را دارند. وزارت کار از این عمل هدفی جز سرکوب و انحراف منازات مبارز کارگران را ندارد و این عمل نیز از جمله اعمال ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی است." در ادامه می‌گویند: "اکنون باید با تشکیل مجمع عمومی مشترک بین کارگران کارخانه تهران و کرج هر چه بیشتر متحد بر علیه وزارت کار و مدیران و... به مبارزه برخیزیم"

* * *
بفیه در صفحه ۶

★ صنایع دفاع

کارگران پیشرو صنایع دفاع نیز در رابطه با افزایش ساعات کار و لغو تعطیل پنجشنبه‌ها تراکتی با نام "تنها با مبارزه یکپارچه می‌توان مانع افزایش ساعات کار شد" منتشر نموده‌اند. در قسمتی از این تراکت چنین آمده است: "این عمل مورد اعتراض بحق تمام کارگران قرار گرفته و در بعضی شرکتها نظیر شرکت پنها (پشتیبانی ونوسازی هلیکوپتر های ایران) مدیریت از ترس اوج گیری اعتراضات کارکنان از اجزای آن چشم پوشیده است. رژیم جمهوری اسلامی هر روزتهاجم خود را به حقوق زحمتکشان گسترده تر می‌سازد. رژیم میکوشد با افزایش بهره‌کشی و استثمار کارگران، افزایش ساعات کار، وادار کردن کارگران به تولید بیشتر و افزودن بر قیمت کالاها و... هر روز با بحران را به گرده زحمتکشان بیانندارد."

* * *

★ پارس متال

کارگران پیشرو پارس - متال در اعلامیه‌ای که این هفته منتشر شده است می‌نویسند: "شورا را کارگران

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

وزیر امور اقتصادی و دارائی می گوید:

"گسترش روابط اقتصادی ایران و ترکیه طبعاً بر اساس تفاهم سیاسی بین دو کشور باید انجام گیرد"

است و همواره نماینده انحصارات بزرگ امپریالیستی محسوب میشود. تنها کودتا در ترکیه، نقش نظامیان را از حالت پوشیده بدر آورد و علنی ساخت چرا که نقش نظامیان را قبل از کودتا، باندهای سیاه موسوم به "دست راستیها" بعهده داشتند و دولت چنین وانمود میساخت که دست راستیها و دست چپها (انقلابیون) گروههای مختلف مردم اند که بجان هم افتاده اند. این باندهای فاشیست وابسته به دولت بصورت گسترده ای سازمان داده شده بودند و آنچنان ترور و کشتاری در کوچه و خیابان بر سر راه انداخته بودند تا هر گونه اعتراضی را در نطفه خفه سازند و هر روز دهها نفر از انقلابیون و کارگران و زحمتکشان وابسته به سازمانهای انقلابی، هدف این مزدوران قرار میگرفتند و جلوس چشم مردم به گلوله بسته میشدند و رژیم کودتا با این شعار با بعرض قدرت آنها دکه میخواست "نظم و امنیت" برقرار نماید. اما از آنجا که دست راستیها دست پرورده خود دولت بودند پس از کودتا اکثریت آنها بخدمت رژیم کودتا گرفته شدند و تنها انقلابیون و بیزعم

در کیهان سه شنبه اول اردیبهشت سال ۶۰ میخوانیم: "ترکیه تمام راهها و راه آهن، و بنا در خود را بطور کامل در اختیار ایران میگذازد و ایران میتواند از آنها استفاده کند." سپس مینویسد: "بدنبال ملاقات وزیر با زرگانی ترکیه با مقامات مسئول ایرانی قرار میشود: "روابط اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور، صدور نفت ایران به ترکیه و نحوه پرداخت بهای آن، صادرات مواد غذایی ترکیه به ایران و همکاریهای احتمالی ترکیه در تکمیل پروژه های نیمه تمام ایران و فرهنگی مباحثات مقدما تی شد. "هما نجا همچنین وزیر اقتصاد و دارائی در اینمورد میگوید: "با توجه به این که مسائل اقتصادی و سیاسی از هم جداشدنی نیستند، گسترش روابط اقتصادی ایران و ترکیه طبعاً بر اساس تفاهم سیاسی بین دو کشور باید انجام گیرد. این سخنان از سوی مقامات رژیم جمهوری اسلامی بیان میشود. رژیمی که در تابستان سال گذشته هنگام کودتا در ترکیه در روزنامه هایش نوشت که کودتای ترکیه برای مقابله با دولت جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا صورت گرفته است و اکنون سخن از تفاهم با دولتی میزند که مزدور آمریکا در منطقه است.

مردم ما رژیم دیکتاتور نظامی حاکم بر ترکیه را که یکی از پایگاههای امپریالیسم آمریکا در منطقه نیز میباشد بخوبی می شناسند. ترکیه از هم پیمانان ناتو (پیمان نظامی مشترک آمریکا و اروپا) میباشد. آمریکا پایگاههای نظامی متعددی در ترکیه دارد.

رژیم ترکیه چه قبل و چه بعد از کودتا بک رژیم ترور و سرکوب و خفقان بوده

آنان دست چپها و همچنین توده های زحمتکش اند که دسته دسته دستگیر، شکنجه، زندانی و با اعدام میشوند. چندی پیش ۴۴۵ نفر از دهقانان - مناطق کردنشین در دیار بکردریک دادگاه نظامی محاکمه و ۹۵ نفر از آنها محکوم به اعدام شدند. همچنین ۴ نفر از انقلابیون وابسته به ارتش آزادیبخش در استان بول هفته گذشته اعدام شدند.

و بنا بر گزارش خبرگزاریها: "از آغاز حکومت نظامیان در ترکیه ۲۵۶۶۲ نفر در ترکیه دستگیر شده اند" اکنون باید به این مسئله پاسخ دهیم که چگونه دولت ایران که ادعای مبارزه ضد امپریالیستی دارد، صحبت از تفاهم سیاسی و گسترش روابط اقتصادی با ترکیه میکند.

اگر بپذیریم که سیاست خارجی جدا از سیاست داخلی نیست و سیاست خارجی تابع و انعکاس سیاست داخلی میباشد، هنگامیکه دولت ایران همچون ترکیه به سرکوب زحمتکشان و خلق کردوسا برخلافها میپردازد، انقلابیون را دستگیر، شکنجه و ترور میکند، به خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخی نمیدهد و حتی اعتراضات آنان را سرکوب میکند و روابط اقتصادی و قراردادهای سارت با رگدشته را از جمله با دولت ترکیه این عامل دست نشانده آمریکا تجدید میکند طبعاً "با بد تفاهم سیاسی نیز بین دو کشور پدید آید. و درست در همین نقطه است که بیش از پیش ماهیت مبارزه ضد امپریالیستی دروغین حاکمیت روشن میشود. حالیکه شعارها و ادعای امپریالیستی حاکمیت گوش فلک را کر کرده در عمل به گسترش روابط اقتصادی و تفاهم سیاسی با دولت های عا میسرند. امپریالیسم جهانی دست میزند.

پاسداران مانع ورود کارگران به کارخانه شده و کارگران در کنار کارخانه نشستند. کارگران پیشرو رشت طی اعلامیه ای در این رابطه میگویند: "کارگران مبارز و آگاه با تمفیه عناصرا زشکارا زشورا و تقویت شورا های خود متشکل و متحد علیه این دشمنان کارگران و زحمتکشان به مبارزه ادامه میدهند". آنها همچنین در همین اعلامیه "مردم قهرمان و مبارز رشت" را خطاب قرار داده و از آنها میخواهند از مبارزه کارگران ایران پویلیس حمایت کنند. در بخشی از این اعلامیه می آید که: "قبل از عید سرما به داران سودویژه کارگران راه جیب زدند. دولت جمهوری اسلامی از سرمایه داران حمایت کرد، و کارگران را ضد انقلاب و عوامل آمریکا خواند. امروز سرما به داران کارگران را از کارخانه اخراج میکنند. دولت جمهوری اسلامی سپاه پاسداران سرما به خود را برای حمایت از سرما به داران و سرکوب کارگران به کارخانه سرازیر میکند. کارگران و زحمتکشان میگویند: "حامیان سرما به داران حامیان آمریکا هم هستند، آنها ضد انقلاب واقعی هستند."

میگویند: "کارگران انقلابی سرامیک البرز نشان دادند که به خلاف نظریات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که سال جدید را سال "قانون" یعنی سال قانونی بودن استثمار کارگر توسط سرمایه داران میدانند، سال جدید را سال مبارزه بیامان علیه سرمایه داران، سال اتحاد، مبارزه و پیروزی می نامند". در پایان نیز از کارگران خواسته اند که برای بدست آوردن حقوق خویش در شورای انقلابی متشکل شوند.

رشت

ایران پویلیس

دراوا خرما گذشته کمیته پاکسازی کارخانه ایران پویلیس تصمیم به اخراج عمده ای از کارگران مبارز میگردد. پاسداران سرما به تاکنون در مبارزه با سرمایه داران کارگران را اخراج کنند. اما کارگران ایران پویلیس به حمایت فعال از این کارگران پرداخته در مقابل پاسداران مقاومت و از اخراج همزمان خود جلوگیری کرده اند.



از اعلامیه ها تا کتا و نشریات

کارگران پیشرو

بقیه از صفحه ۵ قزوین

سرامیک البرز

مبارزه کارگران برای سیرون کشیدن سودویژه از چنگال سرمایه داران همچنان بشکل پراکنده ادامه دارد. در سال جدید کارگران "سرامیک البرز" با مبارزه گسترده خویش و با اخراج با اعتصاب سه ساعت خود توانستند امروز سودویژه را در اختیار دارند. کارگران پیشرو قزوین در بخشی از اعلامیه خود با عنوان "اتحاد پیروزمند کارگران "سرامیک البرز" در آغاز سال جدید خسته بسازد"

گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم

بکوشیم روز معلم را به نقطه عطفی برای گسترش مبارزه معلمان تبدیل کنیم!

دوازدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۰ یکی از روزهای پرشکوه مبارزات قهرمانانه خلق ماست. روزی که دهها هزار معلم مبارز با طرخواستههای یحیی خود در سرا سر کشور اقدام به اعتصاب یکپارچه و راهپیمایی در خیا بنا نمودند. در این روز در میدان بهارستان، مقابل مجلس، این نظا هرات از جانب رژیم شاه خائن به خاک و خون کشیده شد و پلیس شاه به خواست معلمان با گلوله‌ها سخداد. در اثر تیراندازی - تعدادی از معلمین مجروح شدند و دکتور ابوالحسن خانعلی معلم مبارز بدست رئیس کلانتری ۹ شهادت رسید. بنا به شهادت "خانعلی" روحیه رزمندگی معلمان اوج گرفت و جنبش اعتراضی معلمین ابعاد گسترده تری یافت، دانش آموزان، دانشجویان، زحمتکشان و کارگران با معلمین اعلام همبستگی کردند.

مدارس و دانشگاهها بسته شد، ادارات و کارخانهها بحالت نیمه تعطیل درآمد. مردم در نظا هرات یک پارچه معلمان شرکت کرده و نشان دادند که کارگران و زحمتکشان و دانش آموزان پیوسته متحد و همرا یکدیگر بوده و در مبارزات حق طلبانه از همدیگر حمایت میکنند.

رژیم شاه و دولت شریف اما می که از اوج گیری مبارزات توده ها بوحشت افتاده بودند با لایحه افزایش حقوق معلمان را به مجلس برده و تصویب کردند. اما آنجا که جنبش معلمین با قدرهبری نیروهای انقلابی وضد امپریالیست بود، درخشش از سردمداران دا رودسته امینی رهبری "جامعه معلمان" را بدست گرفت و به بهای خون دکتور خانعلی و مبارزات پرشور معلمین، بر مسمند وزارت آموزش و پرورش رسید و با مانورهای مزورانه و دادن پسانه های امتیازات، سروته حقوق معلمان را هم آورد و تلاش نمود تا مبارزات معلمان را مهار کند. اما علی رغم تلاشها و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم شاه مانع شکل آیند قشرشدا ما معلمان مبارز بطور پراکنده به مبارزات خود ادامه دادند. معلمان عمدتاً از اقشار میانی و پائینی خرده بورژوازی در جامعه هستند و منافعیان با منافع کارگران و زحمتکشان شهروروستا عینین گردیده است و علاوه بر آن وجود عنصر آگاه و پرورشی در این قشر و مسئولیت آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان میهن، همبستگی آنان را با اقشار زحمتکش دوچندان می کند علی رغم عدم وجود سازمان رهبری کننده، پیوسته قلبشان با جنبش خلق می تپد و

با شکل گوناگون با مبارزات اقشار مختلف خلق ابراز همبستگی می کردند. بویژه نقش آگاه گران که آنان تا شیرات شگرفی در راه پروری جنبش خلق داشته است. و در این باره کوششهای پرارزش رفقا، بی چون و مدبهرنگی، علی رضا نابدل و ... نمونه بارز فعالیت معلمان مبارز و انقلابی بحساب می آید.

با آغاز جنبش نوین انقلابی مسلحانه، چهره های درخشانی از معلمان انقلابی چون صفائی فراهانی بهروز دهقانی، علی رضا نابدل، مرضیه احمدی اسکویی، صاب بیژن زاده، رفعت معماران، کاظم سعادتسی فاطمه امینی، رفعت افشار و ... به جنبش انقلابی پیوسته و در صف اول رزم فدائیان خلق و مجاهدین خلق قرار گرفتند.

در جریان قیام شکوهمند بهمن ۵۷ معلمین آگاه و مبارز علاوه بردادن آگاهی سیاسی، نقش سازماندهی اعتبارات و تخصص دانش آموزان و بسیج نیروهای مردمی را به عهده داشتند و پس از قیام نیز همگام با توده ها در مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک، با تمام توان کوشیدند. اما از همان فردای قیام رژیم جمهوری اسلامی، معلمان مبارزی که سالها علیه فشار و اختناق آریا مهی قهرمانان به مبارزه کرده بودند، آماج حملات سرکوبگرانه خود قرار داد. هزاران تن از معلمان آگاه، مشمول پاکسازی، اخراج یا زنجشکی اجباری و باز خرید شدند. خاکمان جدید در آموزش و پرورش اقدام به ایجاد شبکه جاسوسی بنام "مربیان امورتربیتی" کرده و این سیستم را جایگزین "اداره حفاظت ساواک" نمودند و حتی در برخی مناطق چون کردستان و لرستان آموزش و پرورش را منحل کردند!

بسیاری از معلمان مبارزان جمله رفیق معلم و نداد ایمانی فقط چند ماه پس از قیام در شیرگاه (مازندران) ترور شدند و هرگز جانی نماند. رشتوف کهنه پوش، بهمن عزتی، حسین شیبانی و ... در کرمانشا و کردستان و عبدالحکیم مختوم، رحمت منصوری خوجه محمد تیروندی و عبدالحکیم شهنازی و ... در گنبد با آنها مات واهی اعدام شدند. اما با تمام اعداها، زندانها، اخراجها، معلمان آگاه و مبارز به مقاومت و پایداری خود همچنان ادامه میدهند و همه این اعمال رژیم جمهوری اسلامی نشانگر ترس و وحشت بی پایان رژیم از رشد آگاهی توده ها است اما علی رغم مقاومت و پایداری معلمان مبارز

در مقابل سرکوب رژیم، بعلمت فقدان یک تشکیلات رهبری کننده نتوانسته اند اقدامی موثر بعمل آورند. فعالیتهای پراکنده ای که در این زمینه صورت گرفته درخور و توان ظرفیت و کمیت این نیروی عظیم اجتماعی نیست. تنها وجود تشکیلات دمکراتیک آگاه، رزمنده و قوی سراسری است که میتواند کلیه نظا هرات و اعتراضات معلمان (اعم از صنفی و سیاسی) را متمرکز نماید و بصورت فعالیتی سازمان یافته، حاکمیت را وادار به عقب نشینی کند. در این میان معلمان آگاه و مبارز می توانند حتی از نهاد های موجود مثل "شورا های مدارس" (علیرغم ماهیت فرمایشی، غیر فعال و بی اختیار اکثر آنان) استفاده کرده و با شرکت خلاق در آنها در جهت فعال کردن و ارتقاء کیفیت آنها بکوشند و می توانند این کوشش در همگامی و همبستگی با دانش آموزان مبارز صورت گیرد. معلمین مبارز باید بدانند که پیوند هر چه گسترده تر با دانش آموزان و پشتیبانی از مبارزات آنان و ارتقاء آگاهی آنان موجب تقویت صفوف نیروهای مترقی در مقابل سرکوبهای حاکمیت است.

در اینجا لازم میدانیم با معلمان آگاه و مبارزها و دانش آموزان در سراسر ایران سخن میگوئیم: این رفقا باید بدانند که مهمترین وظیفه ای که آنان در پیشبرد مبارزه طبقاتی دارند اینست که در محیط زندگی اجتماعی خود به فعالیتهای دمکراتیک بپردازند. هر نوع کمبها دادن به این مبارزات تحت عنوان فعالیت سیاسی - طبقاتی (سوسیالیستی) انحراف از اصول مبارزاتی و بی توجهی به شرایط خاص مبارزات جامعه ما در لحظه کنونی می باشد. نباید با تجربه گرفتن از فعالیتهای دمکراتیک در سایر نقاط، خصموس آنجا که این مبارزات موفق بوده است، به ایجاد حرکت یا گسترش فعالیتهای دمکراتیک و صنفی سیاسی سهمی در مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی میبماند ایفا کنیم گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز معلم درود بر معلم شهید دکتور ابوالحسن خانعلی و تمام معلمان شهید جنبش خلق.

مستحکم با دپیوند معلمان و دانش آموزان در مبارزه مشترک برای کسب و گسترش حقوق دمکراتیک خلقهای زحمتکش میبمان و تداوم انقلاب.

پیش بسوی مبارزه ای هر چه گسترده تر، متشکل تر و یکپارچه تر.

سابقه تاریخی

خیانت‌های حزب توده (۳)

حزب توده در مقطع قیام

"حزب توده" در مقطع قیام پرشکوه خلق شایسته تاریخی‌ترین (ولی نه آخرین) پشتک خود را میزند. رهبران فراری "حزب" از برکت سرمایه‌زات - پرشکوه توده‌ها جرات پیدا میکنند تا بسوی میهن روانه شوند. آنها در این مقطع تمامی "خیانت‌ها" و موضعگیری‌های گذشته خود را به فرا موشی میسپارند. غافل از اینکه توده‌ها هرگز از این خیانت‌ها را فراموش نخواهند کرد.

"حزب توده" تمامی مواضع خود را تغییر میدهد و خود را بشکل تمام عیاری "رفیق قافله" جا میزند. برای بررسی کا ملتزاین "پشتک تاریخی" "حزب" موضعگیری‌های او در این مقطع را به دو قسمت تقسیم می‌کنیم.

۱ - تغییر مواضع گذشته و پرده پوشی خیانت‌های قبیل از قیام: مقالات قبلی مواضع "حزب توده" را تا مقطع قیام بررسی کردیم و دیدیم چگونه "حزب" پس از این که در یافت شاه رفتنی است به جستجوی جناح‌های "بهبتر و واقع بین تر" درون هیئت حاکمه پرداخت و ندای "شاه با بسط سلطنت کننده حکومت" را سرداد اما زمانی که در یافت حکام در حال تغییرند به تغییر مواضع خود بر حسب نظر ما حبان جدید قدرت پرداخت و سعی کرد با انطباق نظرانش با آیت الله خمینی برخیا نتهای گذشته خود سرپوش بپند.

"حزب توده" که حداقل ۱۵ سال تمام (از سال ۳۹ تا ۵۴) از اصلاحات ارضی شاهانه حمایت و دفاع میکرد (بسه قسمتهای قبلی مراجعه کنید) اینک پشتک میزند و میگوید: "اصلاحات ارضی نیمه در رژیم پهلوی حاکمیت زمینداران بزرگ را تثبیت کرد و علاوه بر آن دست غارتگران امپریالیستی را در اقتصاد کشاورزی ایران باز کرد" (مردم - دوره جدید شماره ۱) و با "اصلاحات ارضی شاه سابق اصلاحاتی بود نیم بند برای گسترش مناسبات بهره‌کشی سرمایه داری برای پیاده کردن نقشه های نواستعماری آمریکا ثیان که روشی عمیقاً "صدهقانی انجام شد"

(مردم - دوره جدید شماره ۶۹) توجه میکنند. اصلاحات ارضی که "سراسری توسعه کشاورزی" انجام شده و "گام مهمی در جهت صنعتی کردن کشور" (دنیا شماره ۳ - سال ۱۳۴۷) بشمار "صرفت" انقلاب سفیدی که "پیروزیهای مهمی در عرصه صنعتی کردن کشور" و الکترونیکی کردن کشور "بندسبت آورده و سیستم آموزشی را متحول کرده بود" (مما حبه!) و در نوروزی عضو کمیته مرکزی حزب توده سال (۱۳۵۱) اصلاحات ارضی که "کورس صنعتی کردن" کشور را در پی داشت و در نهایت "خواست مبرم مردم" (بود) (دنیا شماره اول - سال ۱۳۵۲) اینک کنه ورق برگشته و قدرت در دست دیگران است به "اصلاحات نیم بند" تبدیل شده که "در جهت منافع غارتگران امپریالیستی" و تثبیت حاکمیت زمینداران بزرگ "و... است. تنها اشکال آنجا است که "حزب توده" میگوید چه کسی ۱۵ سال از منافع غارتگران امپریالیستی و از تثبیت حاکمیت زمینداران بزرگ دفاع میکرد و به تبلیغ این سیاست "عمیقاً" ضد هقانی "میپرداخت. چه کسی به گروه‌های "ما و را" چپ هشدار میداد که چشم خود را باز نکنند و "واقعیات" و "کورس صنعتی شدن" کشور را ببینند. (دنیا شماره اول سال ۱۳۵۲) فقط کافیت بیاد بیاوریم "حزب توده" اصلاحات ارضی را "اقداماتی ترفیخواهانه" به منظور "از بین بردن مناسبات فئودالی تولید" (مردم شماره ۶۹ سال ۱۳۴۹) "حزب توده" که سالها برای سیاست "دولتی کردن اقتصاد" توسط شاه کف میزد و سعی میکرد بهره‌حیله‌های شاه را وادار کند تا صنایع و بخشهای بیشتری از اقتصاد را دولتی کند، اینک برای خوشخدمتی به صاحبان جدید قدرت موضع خود را عوض میکند و مینویسد در دوران رژیم سابق (شاه) بخش دولتی که تحت قیمومت بورژوازی بوروکراتیک قرار داشت در جهت رشد خصوصی سرمایه داری در پهنای و ژرفای عمل میکرد. یعنی به تحول سرمایه داری وابسته در کشوریاری میداد. بهمین سبب ما هیت اجتماعاتی اقتصادی بخش دولتی در گذشته چیزی جز سرمایه داری دولتی نبود..... (مردم دوره جدید - شماره ۱۲۰).

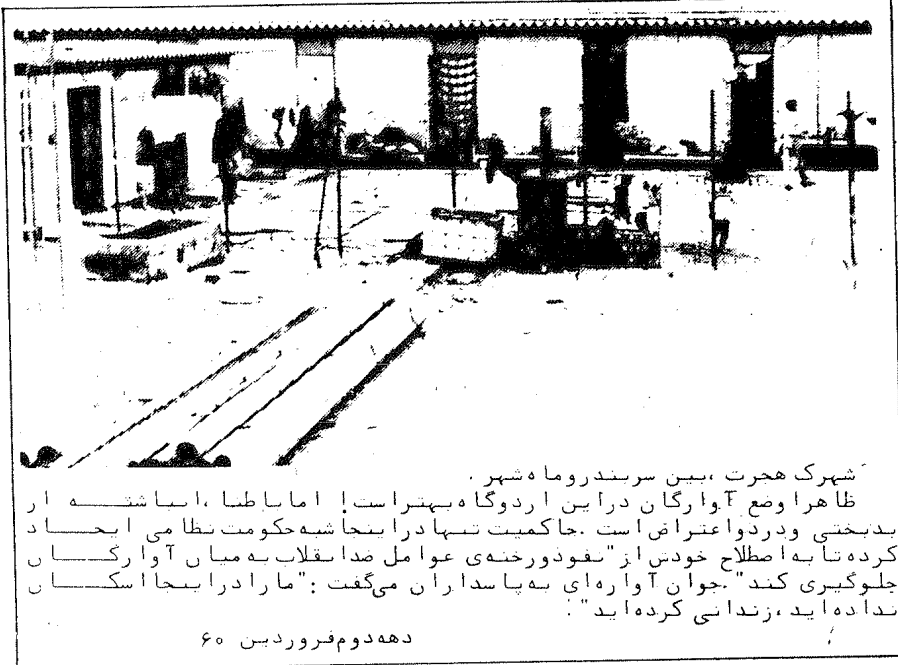
"حزب توده" که کشتار خلق سربز در سال ۱۳۲۵ را یک "عقب نشینی سودمند" (مردم سال اول شماره ۴ دوره ۵) مینامید اینک شهیدان همین قتل عام "سودمند" را بخود منسب میداند و مینویسد "حزب توده" ایران که بحق حزب شهیدان (!) نام گرفته نخستین سازمان سیاسی در سرزمین ما است که در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع قربانی داده... فقط در جریان سربکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان (سال ۱۳۲۵) یک قلم بیش از ۲۰ هزار نفر از آذربایجان میهن پرست قتل عام شدند" (مردم - شماره ۱۱۲)

اما در این میان جالبترین پشتک حزب موضعگیری، تعریف و تمجید از جنبش خلق در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ است. به خاطر بیاورید که حزب توده در راه دیکو پیک خود این مبارزات را توطئه فئودالها و زمینداران و محافل ارتجاعی و روحانی میخواند و بیا دویا دویا و رید که حزب توده در (مردم اول تیر ماه ۳۲۲) نوشت "در اینکه محافل ارتجاعی کوشیده اند در ایام عزاداری احساسات منهنی عده‌ای سوء استفاده کرده، گروهی از افراد عقب افتاده و متعصب را به اعمال و رفتاری جاهلانه، ضد ترقی و برخلاف انسانیت برانگیختند و حتی شعاری علیه اصلاحات ارضی آزاد دی (۱) در میان تظاهرات مردم پیش نما یند، شکی نیست اما اینک که قدرت بدست همین "محافل ارتجاعی و روحانی" افتاده است حزب توده مینویسد "دوران سالهای بعد از جهل دوران تقرباً کامل رکود جنبش است. البته سال ۴۲ در ایران تظاهرات بزرگ ۱۵ خرداد به وجود آمد ولی بعد از در هم کوبیده شدن تظاهرات دوران رکود بزرگ با اقدامات عوام فریبانه شاه تحت عنوان اصلاحات ارضی و انقلاب "شاه و ملت" شروع شد (نکاتی از تاریخ حزب توده ایران) و میگوید "گروهی از روحانیون مترقی در رهبری آیت الله خمینی طی یک دوران طولانی در مواضع روشن ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سیستم امپریالیسم... قرار گرفتند" (مردم دوره جدید شماره ۱) توجه کنید که بطور بسادگی "محافل ارتجاعی و روحانی" به "روحانیون مترقی" بدل شده اند. بطور خلاصه میتوان گفت "حزب توده" هیچگونه خط اصولی بجز پیروی از صاحبان قدرت نمیشناسد. در دوره رستمندی شاه در ایران بقیه در صفحه ۱۸

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

آوارگان چه میگردند؟

گزارشهایی از اردوگاههای آوارگان اردوگاه شهرک هجرت زیر کنترل پلیسی!



● آوارگان ساکن این اردوگاه گرفتار بیکاری، کمسای ارزاق، نداشتن لباس، بهداشت و ... کنترل پلیسی اداره کنندگان اردوگاه هستند.

● جنگ زدگان میگویند بیدار شدن در اردوگاه تشکیل دهیم و کارهای اردوگاه را خودمان اداره کنیم.

هفت ماه است که جنگ ارتجاعی و ناچارانه بین دولتها و ضد خلقی عراق و ایران ادامه دارد و همچنان مرگ و میر و فقر و فلاکت و بیخانمانی برای توده های زحمتکش بیارمی آورد. در حالیکه مقامات رژیم جمهوری اسلامی هر روز از تریبونهای تبلیغاتی خود خدمات آنجا میدهد! برای آوارگان و برنامهاهی آتی دولت در این رابطه دم میزنند، و انواع و اقسام اداره ها و بنیادها برای امور جنگ زدگان - آواره، علم می کنند، مصیبت، بیماری، گرسنگی، بی پولی، و بیکاری و عد م بهداشت در اردوگاه ها و شهرکهای خوزستان بیدار می کنند، با وجود کمکی های بی دریغ اتوده های زحمتکش سایر شهرها و مناطق ایران به آوارگان، هنوز آوارگان از بابت لباس، ارزاق و پول بشدت در مضیقه اند و در هیچ میبرند. وضع آوارگان نه تنها نسبت به ماههای قبل بهتر نشده، بلکه بدتر رسیده است. تا بیست و هفت روز بود که خوزستان بویژه شادگان، امیدیه و سربندر میخواستند که به شهرها و استانهای دیگر مانند نیشابور و مازندران بروند. حتی دولت بنا به گفته مسئولان چند اردوگاه، عمدتاً سیاست وشبوه ای در ارتباط با آوارگان این مناطق در پیش گرفته است، که تا گزیرند از خوزستان به جاهائی که دولت تعیین می کند، بروند. اما پاسخ منفی آوارگان - این مناطق که عمدتاً از محرومترین و زحمتکش ترین طبقات و اقشار خلق عرب ایران هستند، برغم غذایی که میکشند، بی اعتمادی توده ها را نسبت به حاکمیت جمهوری اسلامی نشان میدهد. از هر سو بر آوارگان اردوگاهها و شهرک های منطقه خوزستان فشار وارد میشود.

شهرک هجرت، بین سربندروما شهرک ظاهراً وضع آوارگان در این اردوگاه بهتر است! اما ما طبا، اساشته ار بدبختی و درد و اعتراض است. حاکمیت تنها در اینجا شبه حکومت نظامی ایجاد کرده تا به اصطلاح خودش از "نفوذورخشی عوامل ضد انقلاب به میان آوارگان جلوگیری کند". جوان آواره ای به پاسداران می گفت: "ما را در اینجا اسکان نداده اید، زندانی کرده اید".

دهدوم فروردین ۶۰

کها آوارگان را و اداره تخلیه آنجا بکند، اما آوارگان مقاومت کرده اند. حدود سه ماه است که این کمپ به شهرک هجرت تغییر نام یافته و مقرراتی تنظیم شده پلیسی با حضور مستقیم پاسداران و بسیجی ها در آن وضع شده است، مثلاً "رفت و آمد و ورود و خروج به اردوگاه شدیداً کنترل میشود. در این شهرک ۱۷ هزار نفر، در اطراف های پیش ساخته و کوچک زندگی میکنند. در شهرک، مدرسه ابتدائی و راهنمایی و کارگاه، فروشگاه تعاونی و تانوائیها برنده است. در این شهرک، آوارگان به سه دسته تقسیم شده اند، الف - ب - ج یا بخش های ۱ - ۲ - ۳. الف - کسانی هستند که حقوق بگیرند و خودشان پولی دارند، به اینها که اکثریت ساکنان اردوگاه را تشکیل میدهند. مستقری ماهیانه هرتفره ۵ تومان و ارزاق رایگان داده میشود. گروه ب - کسانی هستند که حقوق های کمی دارند، به اینها فقط جیره داده میشود. گروه ج - کسانی هستند که حقوق بگیرند و هزار تومان به بالا هستند، به اینها نه مستقری داده میشود و نه جیره رایگان، فقط کارت تعاونی نصف قیمت به آنها میدهند، تا از شرکت تعاونی شهرکما بحتاج خود را بخرند. البته، اجناس و کالاهای تعاونی بر مراتب متنوع و مرغوبتر از جیره رایگان و اندک است.

بقیه در صفحه ۱۲

بهداشت ندارند، جاندارند، از گرما و کمبود ارزاق شدیداً رنج میبرند، بی پولی و احساس افسردگی و حقارت گریبانگیر آنهاست. بیکاری در سطح وسیعی در میان آوارگان وجود دارد. این همه موجب شده که توده ها روز بروز بیشتر به ما هیت ضد مردمی و ناچارانه جنگ و عواقب زیانبار و خانمانساز آنجا زانپی میبرند، و نسبت به حکومت جمهوری اسلامی بی اعتمادی و بدبینی بشوند، هم از اینرو نیز آوارگان به ضرورت تشکیل شورا و اداره امور بدست خودشان پیش از پیش پی برده اند، آوارگان نوسا بر توده های مناطق جنگی مصرا نه تمام جنگ و برقراری صلح را میخواهند.

در هر کجا که آوارگان نباشند و با هر کدامشان که حرف بزنیم همه این واقعیتها و مشکلات و مصائب خود را می نمایانند، مضافاً با اینکه همه سخت در انتظار پایان جنگ و بازگشت به خانه و زندگی خود هستند.

شهرک هجرت، که در اوایل جنگ به کمپ سربندر معروف بود، بین ما و شهر سربندر واقع شده است. این کمپ قبلاً متعلق به کارمندان و کارگران ژاپنی پتروشیمی بود که پس از قیام تقریباً بیلا استفاده ماند، با شروع جنگ و آوارگی، توده های زحمتکش به این کمپ روی آوردند و برغم مخالفتها و مانعتهای مقامات دولتی آنجا را اشغال کردند. البته در این مدت دولت همیشه سعی داشته

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

گواتمالا

کشور گواتمالا ۷ میلیون جمعیت در آمریکای مرکزی، از شمال به مکزیک، از شمال شرقی به برزیل، از جنوب شرقی و مشرق به هندوراس و ال سالوادور و از جنوب به اقیانوس آرام محدود است.

اقتصاد این کشور عمدتاً بر پایه کشاورزی استوار بوده و قهوه، بنه، شکر، موز و گوشت، ۶۰٪ کل صادرات آنرا تشکیل می‌دهد و واردات آن برنج ذرت و گندم و سایر کالاهای مصرفی ساخته شده در صنایع امپریالیستی آمریکا است.

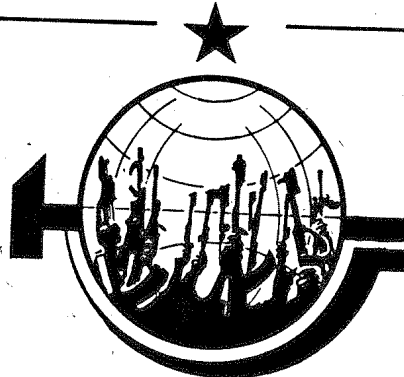
یک درصد کل جمعیت که سرمایه داران وابسته میباشند، ۶۰٪ کل زمین‌های قابل کشت را در اختیار دارند که عمده محصولات آنها کافه همکاران انحصارات امپریالیستی جهت صدور کشت میشود. در مقابل ۶۲/۶٪ کشاورزان که بخش اعظم جمعیت را تشکیل میدهند تنها ۲٪ از زمینهای قابل کشت را در اختیار دارند. چنین وضعیتی موجب شده است که کلیه احزاب دموکرات و همه سازمانهای خلقی و انقلابی خواستار حل مسئله زمین و اصلاحات ارضی در این کشور باشند.

با توجه به اینکه کمترین رفهرم در این کشور، کل سیستم حکومتی را زیر سؤال میبرد، رژیم سرمایه داران حاکم در این کشور، در پی حفظ و گسترش هر چه بیشتر سودهای کلان برای خود و اربابانشان در برخورد به مشکلات و وضع زندگی مردم همچون سایر همپالکی‌ها پیشان در همه کشورهای وابسته، ارتش و پلیس سیاسی را جهت سرکوب مبارزات انقلابی و دموکراتیک زحمتکشان گواتمالا یعنی هر چه بیشتر تقویت میکنند. بطوری که طبق یک گزارش روزانه حدود ۱۰ نفر بطور متوسط در گواتمالا لایر شرایط سرکوب و اختناق و در مبارزه انقلابی جان خود را از دست میدهند و یا مفقود میشوند و بعد به شکل تیر خورده سوخته شده و قطع عضو شده پیدا می‌شوند. با اینهمه علیرغم سرکوبی که طی سالهای اخیر، ۷۰ هزار نفر پدید شده و شهید در پی داشته است، جنبش خلقی همچنان ادامه دارد و رهبران و مبارزان انقلابی بعد از کشف هویتشان از سوی پلیس فاشیستی زندگی مخفی را جهت ادامه مبارزه انقلابی بر می‌گزینند.

در گواتمالا لایر شرایط دشوار سیاسی، سازمانهای سندیکائی (کارگری و دهقانی) سازمانهای سیاسی توده‌ای (احزاب و اتحادیه‌ها) و سازمانهای انقلابی هر روز افراد بیشتری را بخود جذب میکنند.

جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش



چهار سازمان سیاسی انقلابی عمده گواتمالا: نیروهای مسلح شورشی (P.E.T.)، سازمان توده‌ای

مسلح (O.R.P.A.)، حزب کارگر گواتمالا (P.G.T.) و ارتش چریکی تهیدستان (E.G.T.) از ۲۰ اکتبر سال گذشته بر اساس یک دیدگاه مشترک مبنی بر ضرورت شرکت فعال تمام خلق در پیرویه جنگ انقلابی که جنگ چریکی را به سراسر کشور گسترش دهد و ارتش سرکوبگر را نابود نماید، وحدت نمودند. هدف فوری این وحدت سرنگونی رژیم لوکاس گارسیا و ایجاد یک دولت انقلابی - دموکراتیک خلق در گواتمالا است.

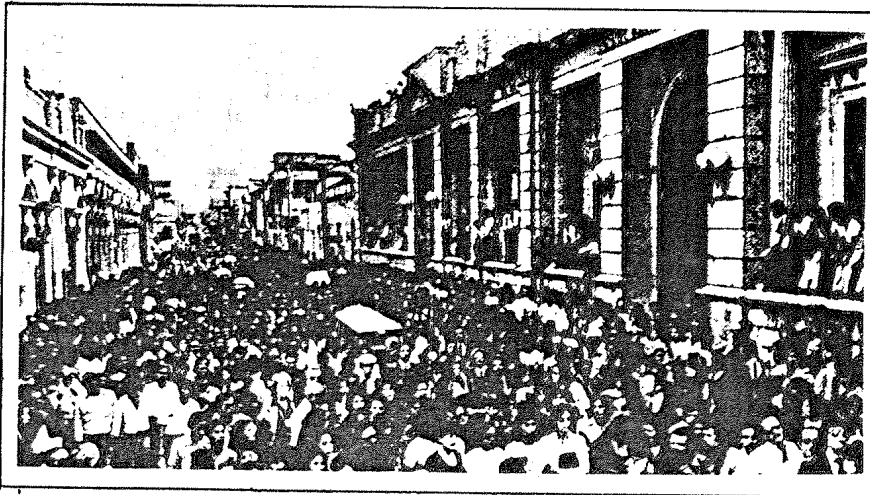
برای نابودی پیرویه انقلابی آمریکای مرکزی می‌شویم، پیرویه‌ای که قبلاً پیروزی خلق نیکاراگوئه را در برداشته و پیروزی خلق هائیتی را سالها دور و گواتمالا را در پی خواهد داشت.

روش کار سازمانهای انقلابی گواتمالا بر پایه کار مخفی و دفاع از خود، عملیات شبه نظامی توده‌ای و عملیات مستقیم نظامی علیه رژیم حاکم استوار است.

این اقدامات همچنین شامل برخی عملیات تبلیغی از قبیل سنگربندی، به آتش کشیدن خودروها و نظامی و استفاده از بمب‌های اعلامیه پخش کن می‌باشد.

نخستین وحدت انقلابی در این کشور در سال ۱۹۷۶ با بهم پیوستن فدراسیونهای کارگری و تشکیل کمیته ملی وحدت سندیکا آغاز شد. در سال ۱۹۷۸ بین سازمانهای دهقانی نیز چنین وحدتی صورت گرفت و ایجاد کمیته وحدت دهقانان را در پی داشت. کمیته وحدت دهقانان در کمیته ملی وحدت سندیکائی عضویت دارد و به این ترتیب با هماهنگی فعالیت‌های این دو سازمان، وحدت مبارزاتی کارگران و دهقانان تقویت میشود.

در سال ۱۹۷۹ با شرکت این دو سازمان و حزب سوسیال دمکرات گواتمالا و جنبه متحدان انقلاب، جنبه دانشجویی را بین کارگران و جنبش خلق ۱۵۰ سازمان و اتحادیه توده‌ای دیگر جنبه دموکراتیک علیه دیکتاتور (F.D.C.R.) اعلام موجودیت نمود.



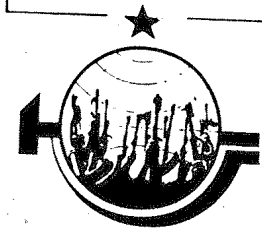
در مقابل گسترش فعالیت‌های دموکراتیک توده‌ای و نیز افزایش حجم عملیات انقلابی سازمانهای چریکی علیه رژیم، ارتش گواتمالا به خشونت و سرکوب علیه مردم غیر مسلح می‌افزاید. در این رابطه بارها حومه شهرهای مختلف مانند سان مارکوس و سانتیاگورا مبارزان

در اعلامیه مشترک این چهار سازمان که به مناسبت اعلام وحدت انتشار یافت آمده است: "تعمد به مبارزه علیه دولت گواتمالا بهترین امری است که ما می‌توانیم شرکت خود را در مبارزه خلق سالوادور نشان دهیم... ما همچنین متعهد به روی آوردن در مقابل هرگونه دخالت امپریالیسم آمریکا

بقیه در صفحه ۱۱

جنبش جهانی

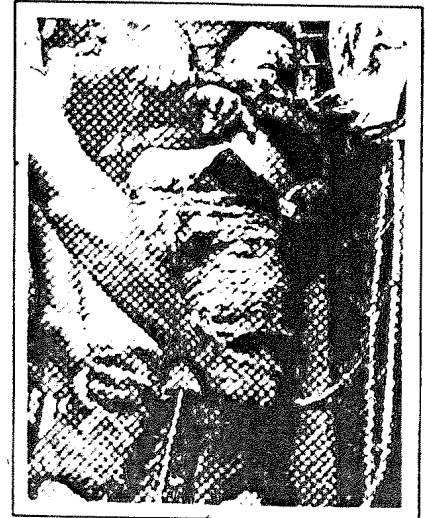
پیشرو - رهاسازی



بقیه از صفحه ۱۰

کرده است و این شیوه‌ای است که ارتش گواتمالا علیه مردمی که در سازمانهای انقلابی فعالیت می‌کنند نداشتند و میگردانند آنها را از شرکت در فعالیتهای دموکراتیک باز دارد.

میگوئل انکل آلبیزورز، یکی از رهبران تبعیدی (جنبه توده‌ای مذکور) گواتمالا طی مصاحبه‌ای با گاردین چاپ آمریکا میگوید: "بحران اقتصاد سراسر کشور را فرا گرفته است. دستمزدها فوق العاده ناچیز و نرخ گرانی اغلب نسبت به سالهای پیش تا ۵۰۰٪ میرسد. آمار رسمی بیکاری ۳۰٪ است و اضافه بر این درصد بالایی از مردم در شهرها به کارهای اذیت‌آمیز دستفروشی، واکس زدن، روزنامه‌فروشی، فروش کارت‌های بخت‌آزمایی و آدامس فروشی مشغولند."



هم وضعیت بحرانی و هم اختناق و فقدان کامل حقوق فردی و اجتماعی و اساسی در گواتمالا مردم را به جستجوی اشکال جدیدی از مبارزه و سازماندهی مبارزاتی غیر از پارلماناریسم که هرگز راه حل مشکلات مردم نبوده است می‌کشاند. از این رو "F.D.C.R" نیز سرنگونی رژیم لوکاس گارسیا را یکی از اهداف غیرقابل‌تغییر خود می‌داند. ما معتقدیم که بدون وحدت، پیروزی اساساً غیرممکن است.

رژیم ضد خلقی حاکم بر گواتمالا در مقابل اوج و اعتلای جنبش انقلابی و توده‌ای در این کشور و نیز جهت هماهنگی عملیات سرکوب ضد انقلابی با سایر دولتهای مرتجع آمریکای مرکزی شکار راه همکاری وسیع و شوم با رژیم‌ها تحت رهبری امپریالیستهای آمریکائی می‌پردازد.

اکنون بخشی از کار در متلاشی شده دیکتاتور معدوم سوموزا، در گواتمالا حضور دارد و در عملیات سرکوب ضد انقلابی شرکت میکنند. از سوی دیگر ارتش این رژیم مستقیماً از شورای دولتی نظامی حاکم بر السالوادور - حمایت میکند. هم‌اکنون ۲۰۰۰ تن از افراد مسلح از سربازان گواتمالائی و افراد گارد سوموزا، علیه انقلابیون السالوادور در مناطق مرزی می‌جنگند. در چند ماهه اخیر هواپیماهای نظامی از فرودگاههای سن جویس در ۶۰ مایلی پایتخت به مقصد السالوادور پسر واز کرده و حامل بمب و سایر جنگ افزارهای آمریکائی بوده‌اند.

انقلابیون گواتمالا معتقدند: از آنجائی که نواحی مختلف آمریکای مرکزی همواره زیر یوغ امپریالیستهای آمریکای شمالی بوده است، این امپریالیستها برای ادامه غارتگری خویش همواره از اتحادشوم رژیمهای ارتجاعی این منطقه پشتیبانی کرده و هر آن که احتمال سقوط رژیم گواتمالا بیشتر شود، به اشکال مختلف دخالت نظامی خواهند کرد. بنا بر این وجود یک استراتژی هماهنگ با سایر جنبشها در دیگر کشورهای آمریکای مرکزی اجتناب ناپذیر است. بر این اساس هنگامی که سرکوبگران جنبش خلق السالوادور از سوی اتحادشوم مذکور مورد حمایت قرار میگیرند، وظیفه انترناسیونالیستی یکم میکنند که انقلابیون هر یک از کشورهای دیگر آمریکای مرکزی با گسترش دامنه جنبش خود از شرکت نیروهای ارتش ضد خلقی کشور خود در سرکوب خلق السالوادور جلوگیری نمایند. در این رابطه از آخر دسامبر تا آخر ژانویه سال جاری، سازمانهای انقلابی بیش از ۲۰۰ عملیات نظامی انجام داده‌اند و آن را بهترین نشانه وجود وحدت انقلابی با خلق السالوادور و به مثابه کمک به تقویت نیروهای انقلابی می‌دانند.

شیلی

بدنبال اعتصاب ده هزار کارگر در شیلی تولیدات یک مجتمع تولید مس در شیلی که بیش از ۱۰۰۰۰ مادات مس این کشورها را تامین می‌کند، متوقف شد. رهبران اتحادیه کارگران مس اعلام داشتند، در صورتیکه شرکت مس

خواستهای کارگران رامینی با افزایش دستمزد متناسب با افزایش هزینه زندگی برآورده نماند، می‌تواند به سایر معادن مس نیز سرایت نماید.

ال سالوادور

در حالی که جنگ آزادی بخش در السالوادور ادامه دارد و خونریزی نظامی حاکم بر این کشور با همکاری و کمک امپریالیستهای آمریکا همچنان به سرکوب توده‌ها ادامه میدهد، موج عظیمی از همبستگی با مردم السالوادور در گوشه و کنار جهان در محکوم کردن دخالت نظامی آمریکا در این کشور به چشم می‌خورد. از جمله در تظاهرات چندین هزار نفری در بسیاری از شهرهای آمریکای شمالی نظیر نیویورک و واشنگتن، سیاستهای جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا در السالوادور مورد اعتراض قرار گرفته و عده‌ای نیز با پرتاب بطری‌های حامل مواد قه‌زنگ که گفته میشد "خون انسان" است به ستون‌های کاخ سفید و دفتر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا، نوع تازه‌ای از اعتراض علیه امپریالیسم آمریکا را به نمایش گذاردند.

فلسطین اشغالی

روز پنجشنبه گذشته بیش از هزار تن از مردم مبارز فلسطین در مقابل سفارت آمریکا در قدس تظاهرات اعتراض آمیزی علیه حمایت دولت امپریالیستی آمریکا از رژیم اشغالگر صهیونیستی اسرائیل انجام دادند.

آلمان غربی

حدود ۴ میلیون تن از کارگران - صنایع فلزی و فولاد آلمان غربی به یک اعتصاب یکساعتی دست زدند. در این اعتصاب که روز ۲۰/۲/۶۰ روی داد، کارگران نیروی برآمده از اتحادیه همبستگی طبقه‌ای خود را در برابر سر سرمایه‌داران نشان دادند به گونه‌ای که امپریالیستهای آلمانی را به وحشت مرگباری انداخت. هدف از این اعتصاب یکساعتی، افزایش حقوق به میزان ۵٪ و همچنین، آزادی میزان نفوذ اتحادیه‌کارگری اعلام شده است. اتحادیه‌کارگری مزبور تهدید کرده است که اگر ظرف چند روز آینده خواستهای کارگران برآورده نشود، به یک اعتصاب سراسری متوسل خواهد شد.

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

برآوارگان چه میگردند!

گزارشهایی از اردوگاههای آوارگان

بقیه از صفحه ۹

با این اوصاف، وضع شهرک ظاهراً مناسب است و مسئولان این شهرک تنها مگوش خود را بکار بسته اند تا با نظم و نظایط پلیسی و نظامی موکنتریل شدیدت و آمدها و غیره، ظاهر را حفظ کنند و به اصطلاح خودشان با گروههای فدای انقلاب و ناراضی مردم مقابله کنند.

تمام تلاش آنها نهایتاً برای ایجاد جو خفقان و جلوگیری از آگاهی آوارگان است. ادعا بشود پیرامون اوضاع مناسب و خوب شهرک زیاده است، اما کافی است که به میان خیانتهای وردیفهای منظم "لین بروی" آنها واقعیت دردناک آوارگی آوارگان گویا و معترض آوارگان بشنوی و ببینی همه بیکبار چه فریاد و فغان و اعتراض هستند، همه از همه چیز و چیزهایی که ندارند مینالند و به مسئولان بدو بیراه میگویند... "نه پول میدهند و نه چیزی نسبت به گذشته هیچ فرقی نگرفته، لباس نیست اگر هم بدهند کهنه است، لباس کوچکترین حرکتی سیاسیها تیراندازی هواپیما میکنند.

کارگری میگوید: "من کارگر بیمانی هستم، در حال حاضر سه خانوار را تحت سرپرستی دارم، ماهی دو هزار تومان حقوق میگیرم، به همین دلیل منرا گذاشته اند در بخش ۳ و هیچگونه کمکی نمیکنند. "زنی که بچه ای به عقل دارد میگوید: "تمام اسباب خانه، مرا همه طلاها را فروختم، به همینکار ردیهای شهرک فروختم. دیگر چیزی نیست، رم، چیزی هم نمی دهند." همه فریاد اعتراض هستند، مردمی به جای اشاره میکنند و میگوید: "این انبارها بیاز وسیله است، موش دارند آنها را میخورند ما به ما نمی دهندشان، اینها را مردم فرستاده اند، تلویزیون و رادیو هر روز می گوید و نشان میدهند که مردم چقدر پول و وسیله و خوارباریه آوارگان کم کرده اند، ولی برای جنگ زدگان و آواره ها هیچی نیست."

زن دیگری میگوید: "وضع هر ای اینجا نگاه میکنند، اینجا همان تدار، دو او درمان تدار، روزی ۳ ساعت غذا فو قش ۳ ساعت آب داریم، خانه ها خیلی تنگ است و ۹ نفر و ۱۰ نفر در آنها زندگی میکنند، پشه و مگس خیلی زیاده."

زند بگری در حالیکه کارت خسار و بارش را نشان میدهد و میگوید: "جیره ای که میدهند به هیچ جای ما نمی رسد، هر ۱۵ یا ۲۰ روز به هر نفر یک کیلو برنج میدهند، یک کیلو آرد و یک کم روغن و تا بید، گوشت هم اگر برسد، هر ماه به هر نفر ۵۰۰ گرم میدهند! هی هم می گویند نیست و ندادیم، در صورتیکه خود من دیدم که سر دانه پراز گوشت است و چیزهای دیگر است."



شهرک علم الهدا - شوشتر - تازه آغاز بهار است و هنوز جرگرمای خوزستان نرسیده، آوارگان تشنه، برای تکه ای یخ صف می بندند، اگر کبرشان بیاید.

راضی نیست، می آیند از بچه ها فیلم می گیرند و چند نفر هم را می توفیلیم نشان میدهند، در صورتیکه مردم ناراضی هستند.

مسئله مهمی که در بر خورد با آوارگان بنحو برجسته ای چشم میخورد، پی بردن به ضرورت تشکیل شورای آوارگان و ادارات مربوط به آوارگان به دست خودشان است. زنها و مردها و جوانهای آواره ای که در شهرک هجرت با فریاد و فغان مشکلات و اعتراضات خود را بیان میکردند، سرانجام بسک صدا میگفتند: "ما این مسئولان نمی خواهیم، باید بگذارند از بین خودمان کسانی را که آواره هستند و دردمان را می فهمند، انتخاب کنیم و شورا درست کنیم."

از سوی دیگر مسئولان و دست اندر کاران را با مورا و آواره ها در جمهوری اسلامی هما تند هر جا دیگری، بشدت در مقابل این خواست توده ها می ایستند، چرا که همیشه از اتحاد و تشکل و ارزش آگاهی توده ها میهراسند.

اکثر کسانیکه در لیست ج، یعنی حقوق بگیرها قرار دارند و جیره رایگان نمیگیرند، شدیداً اعتراض دارند، و میگویند که، دو هزار تومان حقوق با ۸ نفر و ۹ نفر نان خور کافی نیست، پول نمی مانده از تعاقب و نسی جنس بخریم.

زند دیگری میگوید: "جیره بچه ام را قطع کرده اند و از بازاری قوطی ۲۵۰ تومان میخرم، چون شوهرم کارگر است و نصف حقوق میگیرد، به ما جیره نمیدهند، به ما ظلم میشود، آخر نصف حقوق شوهر من چیه که بتوانم گوشت ۷۰ کیلو، تومان بوشیرگران و چیزهای گران دیگر بخریم. آوارگان مرتباً از مشکلات و درد های خودشان میگویند. رنج و بدبختی زیاد می تحمل میشوند، از این رویه مسئول شهرک فحش میدهند و میگویند: "اگر بیایدین مردم، آوار تکه و پاره میکنند، اینجا پارتی زبون دزدی میشود، ما از این سیجی ها و پاسداران خیلی ناراضی هستیم، اینجا هیچکس



شهرک علم الهدا - شوشتر - ردیف جا درها بر روی خاک و زیر تابش سوزنده خورشید "خوزستان" مصیبت و بدبختی هزاران انسان زحمتکش را به عریان بیان میکند.

عملکرد بودجه ۵۹، چشم انداز بودجه ۶۰:

فقر برای زحمتکشان، ثروت برای سرمایه داران

درآمدهای عمومی	سال ۱۳۵۷	سال ۳۵۸	سال ۱۳۵۹
مالیاتها	۴۶۵/۹	۳۶۱/۴	۴۱۸/۲
نفت	۱/۱۱/۷	۱/۴۸۷/۸	۱/۵۴/۰
گاز	۱/۵	—	—
سایر درآمدها	۲۲۰/۲	۱۷۶/۲	۱۴۱/۵
درآمدهای اختصاصی	۱۳۸/۴	۸۲/۱	۱۳۱/۷
منابع نامی کسری			
استفاده از اعتبارات سیستم بانکی و پست			
انتشارات و اوراق قرضه	۲۵۰/۰	۳۵۲/۸	۳۳۴/۲

و "درآمد" برای صاحب مناصب ان نهادها و موسسات بی حساب و کتاب. این امر را عملکرد بودجه ای "دولت موقت" و "شورای انقلاب" به اثبات رسانده و اکنون بار دیگر در عملکرد بودجه دولت مکتبی مشاهده میکنیم. بررسی مختصری از بودجه ۵۹ و عملکرد آن میتواند در ارائه تصویری روشنتر از آنچه که امسال در پیش روی داریم، کمک کند.

سالهای طلائی تجار در جمهوری اسلامی

بودجه سال ۵۹، در عمل بنا به شرایط بحرانی چاکم برجامعه و همچنین شروع و ادامه جنگ تا عادلانه ایران و عراق، با تغییرات مداوم و کمی که در اقلام آن صورت پذیرفت بمرحله اجرا درآمد. با وجودیکه در تدوین بودجه ۵۹ همان معیارها و ضوابط سالهای قبل رعایت شده بود و از این لحاظ هیچ تغییر اساسی در ترکیب بودجه بعمل نیامده بود که عدم اجرای آنرا مربوط به چنین تغییراتی بدانیم، لیکن پس از مدتی کوتاه که از تصویب بودجه می گذشت، بحث در مورد تدوین "بودجه اضطراری" مطرح شد. در این مورد مهندس سخانی در یک نماحیه با روزنامه کیهان چنین عنوان کرد که "هزینه های رایج درآمدهای مالیاتی و فروش محصول بنگاه های دولتی بزرگنیم و هزینه های عمرانی را بیشتر در جهت طرحهای تولیدی که زودبشمر میرسد صرف کنیم، و طرحهای رفاهی و زیربنایی را متوقف کنیم" (کیهان ۲۵، ۶، ۵۹) و پس با شروع جنگ گسترده ایران و عراق لزوم "افزایش درآمد و کاهش هزینه ها" برای جبران کسری با زهم بیشتری که هزینه های جنگی ایجاد نموده بود، عنوان شد. در عمل تمام فشار حاصل از این تغییر و تحولات برای پوشاندن کسری بودجه و تامین هزینه های جنگی بزرگتکشان تحمیل شد و تا نرا بیش از پیش به فلاکت کشانید. ترکیب درآمد و هزینه های بودجه و تغییرات آن گویای این وضعیت اسفناگیز است.

جدول شماره ۱ خلاصه درآمد و هزینه های دولت را در بودجه سالهای ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۰ نشان میدهد: خلاصه درآمد و هزینه عمومی دولت (مبالغ به میلیارد ریال)

با لایحه پس از مدتتها تبلیغات از طرف دولت مکتبی آقای رجایی مبنی بر تدوین بودجه ای کاملاً "مفایر" یا گذشته و متفاوت از بودجه لیبرالها که بتواند در برگیرنده "منافع مستضعفین" باشد، لایحه بودجه سال ۶۰ که در تدوین همان بودجه های گذشته و در برگیرنده "منافع مستکبرین" میباشد، به مجلس تقدیم شد و با وجود موضع گیریهای حامد مخالفین و موافقین، خیلی فوری به تصویب رسید. آنچه که مسلم بنظر می رسد اینست که با توجه به تداوم و حتی تشدید بحران اقتصادی در سال جاری، ادامه جنگ و اثرات ویرانگر آن و بی برنامگی رژیم جمهوری اسلامی، بودجه ۶۰ در کل نمیتواند از چارچوب بودجه ۵۹ فراتر رود و با تغییرات اساسی رادار خواهد داشت. باید و در حقیقت این مشتمل نموده خواهد است.

در عین حال، لایحه بودجه ۶۰ آنچنان دست و پا شکسته به مجلس ارائه شد که، نمایندگان نیز که قبلاً به دولت بی برنامگی مکتبیون رای اعتماد داده بودند، انگشت به دهان ایران ماندند که باید از چه دفاع کنند و با نسبت به کدام یک از فصول بودجه انتقاد نمایند. چرا که هیچ ارقامی در مورد درآمد و هزینه ها در لایحه ارائه نشده بود. و این نشانها و ج بی برنامگی رژیم میباشد. بودجه ۶۰ امسال که به رژیم اجازه میدهد برای سال ۵۹ و اصلاحیه های بعدی آن عمل نماید، نشانه ای از هیچ فایده در دخل و خرج دولت ندارد. در اصلاحیه بودجه سال ۵۹ که در آن میزان اغلب مواد مربوط به اعتبارات و ریز درآمد و مشخص نشده بود و تصویب مجلس رسید، آنچنان اختیاری به اجرا کشندگان بودجه می داد که آنها هرگونه که صلاح میدانند عمل کنند و هیچ حساب و کتابی هم در کار نباشد. مثلاً بودجه نهادی همچون "بنیاد مستضعفین" که تا قبل بیش از ۳۰۰۰ موسسه و صد ها هزار هکتار از بهترین اراضی مزروعی است در بودجه سال ۵۹ ولدا در بودجه امسال منظور نشده است.

سیاستها و عملکردهای اقتصاد دیر رژیم جمهوری اسلامی که انعکاس آنرا در نحوه تدوین و عملکرد بودجه میتوان مشاهده کرد جز فقر، بیکاری و گرانگی هیچ چیز دیگری نصیب زحمتکشان نگردیده است و اجرای بودجه پیشنها دی که ادامه بودجه سال قبل میباشد یعنی، تداوم و تشدید فلاکت برای زحمتکشان و سودهای سرشار برای تجار و سرمایه داران صنعتی

(جدول ۱) ماخذ: قانون بودجه سال ۱۳۵۹ با توجه به جدول شماره ابخوبی روشن میشود که رژیم با تمام ادعاهایش مبنی بر اینکه "شرهای نفت را میبندیم، کمتر تا در میبندیم، و سهم نفت را در ترکیب بودجه کاهش میدهم"، سهم درآمدهای نفتی را در بودجه حدود ۷۳٪ که بیش از سالهای قبل است بر آورد کرده بود. ولی در عمل نتوانست مقدار نفت پیش بینی شده را صادر کند، و بنا بر این در میزان درآمد و با کاهش شدیدی مواجه شد. مضافاً اینکه افزایش هزینه های جنگی نیز سبب شد که کسری بودجه بر آورد شده که ۱۶٪ کل بودجه را تشکیل میداد به ۳۰٪ کل بودجه افزایش یابد.

سیاستهایی که رژیم جمهوری اسلامی در زمینه افزایش درآمد و هزینه ها میتوانست اتخاذ کند عبارت بود از افزایش سایر درآمدها در قسمت درآمد عمومی و درآمدهای اختصاصی، تغییر ضرایب مالیاتها در جهت افزایش درآمد عمومی دولت و با لایحه اتخاذ شیوه ای در جهت افزایش تا مین کسری از قبیل استفاده از اعتبارات بانکی و اوراق قرضه. حال ببینیم در عمل دولت چه سیاستهایی را اعمال کرد.

بعلت وجود رکود مزمن و ریشه داری که بخش های خصوصی دولتی به آن دچار بودند (و هنوز هم هستند) امکان افزایش درآمد از طریق افزایش عرضه تولیدات و خدمات دولتی، ابتدا "میسرنیود" در عین حال دولت با افزایش قیمت محصولات و خدماتی که در انحصار ویا کنترل خود

بقیه در صفحه ۱۴

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

عملکرد بودجه ۵۹، چشم انداز بودجه ۶۰:

بقیه از صفحه ۱۳

داشت، بخشی از کاهش درآمدها را احراز کرد. در سال گذشته، دولت بمتابسه بزرگترین کران فروش، قیمت محصولات و خدماتی چون گوشت، آرد، بنزین، دخانیات، برق و تلفن را افزایش داد. این اقدام، در شرایط وجود وضعیت تورمی شدید در جامعه، بصورت زنجیره‌ای به دیگر کالاها سرایت کرد و نرخ افزایش قیمت‌ها را شدت با لاند.

یکی دیگر از اقداماتی که در قسمت درآمدهای دولت میتواند دستخوش تغییر و تحول شود، ترکیب و چگونگی اخذ مالیاتها میباشد. اما در اینجا نیز دولت بنا به عملکرد و خلعت ضدا انقلابی، سیاستهایی را در پیش گرفت که حاصل آن جزینفع تجار و سرمایه‌داران صنعتی هیچ چیز دیگری نبود. در جدول شماره ۲ این سیاست صدخلقی رژیم به بارزترین شکلی منعکس شده است.

(جدول ۲) درآمدهای مالیاتی (میلین به ملیا رد ریال)

سال ۱۳۵۹	سال ۱۳۵۸	سال ۱۳۵۷	
۴۱۸/۲	۳۶۱/۴	۴۷۱/۵	درآمدهای مالیاتی
۴۰	۴۴/۹	۵۵/۸	مالیات بر شرکتهای (اشخاص حقوقی غیر دولتی)
۸۵/۵	۴۸/۷	۵۹/۴	مالیات بر درآمدها
۷۲	۳۵/۷	۴۵/۱	مال: حقوق
۹/۲	۹/۲	۸/۸	مشاغل
۴	۳	۴/۹	مستغلات
۱۱/۶	۱۴	۱۱/۲	بهره مالیات بر ثروت
۱۰۵/۴	۹۱/۵	۱۴۶/۵	مالیات بر واردات

بطوریکه در جدول شماره ۲ مشاهده میشود، درآمدهای مالیاتی در مجموع به میزان ۵۷٪ میلیاردریال در سال ۵۹ نسبت به سال ۵۸ افزایش یافته است. با راین افزایش مالیاتی عمدتاً برکرده، حقوق بکیران دولتی قرار داشت. به عبارت دیگر افزایش "مالیات بر درآمد حقوق" حدود ۶۵٪ از افزایش درآمدهای مالیاتی را شامل میشود. حال آنکه مالیات بر درآمد مشاغل و مستغلات حدوداً "در این دوره ثابت بوده و مالیات بر درآمد شرکتهای ۴/۹ میلیاردریال کاهش نشان میدهد. البته در عمل مقدار پیش بینی شده درآمدهای مالیاتی تحقق نیافت. در این باره مهندس سجایی نمابینده مجلس در هنگام بحث درباره، لایحه

بودجه ۶۰ اظهار داشت: "درآمدهای مالیاتی دولت سزکاهش پیدا کرد. شرکت‌های دولتی که حدود ۱۷٪ شرکت میباشند تنها خودکفا نبودند بلکه زیانی بزرگ بردست دولت گذاشتند." (می‌بینید جمهوری اسلامی چگونه شرکتهایی را "ملی" میکند). بهر حال، دولت برای احراز این کاهش در دریافت‌های مالیاتی شیوه‌هایی متوسل شد که نتیجه‌اش جز خانه‌خوابی با زهم بیشتر زحمتکشان نبود. و این در حالی است که بقول همان نماینده در سال گذشته "بخش خصوصی بدون استثناء سودبرده است. به استراف خودشان، در بخش تجارت، به خودبسته گفتند سودی که در این ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است.... و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیاردریال در سال ۵۹ سودبرده است" (انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین ۱۳۶۰).

اما موضوع به همین جا خاتمه نمی‌یابد. رژیم جمهوری اسلامی که هزینه حفظ و حراست از شرکت‌های یورشکننده را بر مردم تحمیل و سرشکن میکنند و با کمال قدر (!) زمینهای حیوان برای تجار بزرگ و سرمایه‌داران را فراهم میکند و از افزایش مالیات بر جدرغاز حقوق کارکنان دولت نمی‌گذرد. در حوض تامین کسری بودجه نیز از زیاننازترین روش‌ها برای نوکده‌های مردم استفاده می‌کند.

دولت با وجود اعمال سیاستهایی در جهت افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها (که کوشه‌هایی از چگونگی آنرا دیدیم) و علاوه بر تامین کسری بودجه به مبلغ ۳۳۴ میلیاردریال از طریق بانک مرکزی (جدول ۱)، در او خرسال ۵۹، لایحه‌ای برای تامین کسری بودجه به مبلغ ۳۴۰ میلیاردریال دیگر به مجلس ارائه داد. مالد مورد بحث نمایندگان این بود که آیا این کسری بودجه از طریق انتشار اوراق قرضه و قرض الحسنه با مجلس سودی از طریق اخذ وام از بانک مرکزی، یا به عبارت دیگر از طریق انتشار اسکناس؟ و بالاخره مجلس رای بده انتشار اسکناس داد. اما رای نماینده مجلس دلائل رجحان این روش را بر انتشار اوراق قرضه چنین عنوان کرد: "مروار بعداً امتدادی، انتشار اوراق قرضه ممکن است حجم بیول در کردی را کنترل کند و در نتیجه تورم را از این رهگذر مهار کند، اما آن طرف فضا طرف سیاسی مسئله انتشار اوراق قرضه در دهی چه عدم اطمینانی را نسبت به وضع موجود در میان مردم بوجود خواهد آورد" (میزان ۱۹ بهمن ۱۳۵۹). برای هیات حاکمه اصلاً مهم نیست که در شرایطی که تولیدات کاهش یافته و تورم بی‌دام میکند، افزایش حجم اسکناس بدون پشتوانه یعنی بازهم کراسی بیشتر. و آنانکه از این طریق بطور مستقیم زیان می‌بینند کارکنان و زحمتکشان هستند که با حقوقی ناآب نامدما بحاج خود را کراسی بر جرسند و در حقیقت نیروی ندارند با افزایش قیمت‌ها، نیرومندتر شوند. و آنانکه از این افزایش تورم سود میبرند، تجار و سرمایه‌دارانند که کالاهای خود را بقیمتهای سرسام آور میفروشند و مدام

نیرومندتر میشوند. اما چه بانک برای رژیم جمهوری اسلامی که کارکنان و زحمتکشان زیر بار تورم جردنوند. از نقطه نظر رژیم، "تعدیاتی" ماله اهمیت دارد، توهم بوده‌ها با بدفرو ریزد، شرایط سودآوری برای تجار و سرمایه‌داران با بدفراهم آید، و سپس میتوان کسبه خرده پارا بعنوان عاملین کران فروشی معرفی کرد و آنها را به چهار رمیخ کشید.

بدین ترتیب دولت با بجزبان انداختن ۳۴۰ میلیاردریال اسکناس بدون پشتوانه دیگر، سیر صعودی قیمتتها را شدت بخشید.

کاهش هزینه‌ها، یا

افزایش فشار بر زحمتکشان

حال ببینیم رژیم در زمینه هزینه‌ها چه سیاستهایی را اعمال کرد و چگونه زحمتکشان را وادار نمود که برای "صرفه‌جویی بیشتر" کمربندها را سفت تر ببندند. در این قسمت نیز همانند درآمدها، ابتدا با یک طرح از چگونگی هزینه‌ها در قانون بودجه ۵۹ مواجه‌ایم که در حین اجرا با تغییرات بسیاری روبرو شد. جدول شماره ۳ هزینه‌های عمومی دولت را پیش از آنکه دستخوش تغییرات شود، نشان میدهد.

اعبارات بر حسب امور (میلین به ملیا رد ریال)

سال ۱۳۵۹	سال ۱۳۵۸	سال ۱۳۵۷	
۲۷۴/۸	۲۳۷	۱۶۱/۱	امور عمومی
			از جمله:
۱۴۰/۲	۱۱۶/۸	۷۸/۵	- حفظ نظم و امنیت داخلی
			کسور
۳۷۷/۱	۳۰۸/۸	۵۹۰/۲	دفاع ملی
			از جمله:
۲۲۴/۱	۲۱۹/۳	۱۵۵/۳	- برنامه برسر نظم
۵۲۲/۵	۳۹۱/۶	۶۰۴/۴	امور اجتماعی
			از جمله:
۱۳۹/۸	۱۰۹	۲۷۶/۴	آموزش و پرورش
۵۷	۳۹	۸۰	بهداشت
			درمان و تغذیه
۹۶۷/۷	۹۳۶/۵	۶۳۲/۳	امور اقتصادی

(جدول شماره ۳)

چنانچه از جدول فوق برمی‌آید در حالیکه هزینه‌های امور عمومی و از آن جمله هزینه حفظ نظم و امنیت داخلی کسور (یعنی هزینه سرکوب کارکنان و زحمتکشان برای ایجاد شرایط مناسبی که تجار و سرمایه‌داران بتوانند سودهای سرشار دست‌یابند) از سال ۵۷ به بعد مرتباً در حال افزایش بوده است، هزینه‌های امور اجتماعی منبیل آموری و پرورش و بهداشت و بیداد گاهش با فضا است، هزینه‌های دفاع ملی سردر مجموع کاهش نشان میدهد. در نظر اول این امر از نکات مثبت بودجه‌شمار بقیه در صفحه ۱۵

عملکرد بودجه ۵۹، چشم انداز بودجه ۶۰

بقیه از صفحه ۱۴

می آید، اما در واقع امر چنین نیست. هزینه های پرسنل نظامی در طی این مدت نه تنها کاهش نیافته بلکه بمیزان ۶۹ میلیارد ریال (یعنی بیش از کل هزینه ای که برای بهداشت و درمان و تغذیه پیش بینی شده است) افزایش یافته است. در حقیقت کاهش کل بودجه دفاع ملی عمدتاً به موردی از هزینه های نظامی تحت عنوان "برنامه تهیه، تولید، نوسازی و بازسازی" مربوط میشود، که با توجه به قیام مسلحانه توده ها در بهمن ماه ۵۷ و ضربات ناشی از آن بر پیکار ارتش و همچنین ذهنیت و ظرفیت انقلابی توده ها که به رژیم جمهوری اسلامی اجازه بازسازی رژیم ارتش و خریداری آنچنانی رژیم منحوس پهلوی را نمی داد، قابل توضیح میباشد. لیکن ارقام مربوط به هزینه های نظامی در عملکرد بودجه سال ۵۹ به همین صورت باقی نماند و در طول سال شدت افزایش پیدا کرد. و با شروع بازسازی ارتش تحت رهبری فرمانده کل قوا با استفاده از شرایط جنگ ایران و عراق، اکنون ارقام مربوط به هزینه های نظامی کلاً با آنچه که در جدول آمده، متفاوت میباشد که در این مورد ارقام واقعی در دسترس عموم نمی باشد.

مورد دیگر هزینه های عمومی دولت مربوط به اموراتمادی است که نسبت به سال ۵۷ تقریباً به ۳۳۵ میلیارد ریال افزایش نشان می دهد، ولی این رقم بهیچ وجه با هزینه های واقعی امور اقتصادی در سال ۵۹ مطابقت ندارد. دولت با پیش گرفتن "صرفه جوئی" در هزینه ها بیش از ۳۰٪ از اعتبارات عمرانی را صرفه جوئی نمود. و بدین طریق عملاً "چندانای امور اقتصادی افزایش نرخ تورم راهم طی این دو سال بحساب آوریم، هزینه های واقعی در اموراتمادی بیش از نصف سال ۵۷ نخواهد بود. اما صرفه جوئی در امور عمرانی به چه معنائی است؟ در حقیقت آنچه که بعنوان صرفه جوئی در برنا ما همای عمرانی اعلام شده است، جز حذف برنا ما همای عمرانی معنای دیگری ندارد. صرفه جوئی زمانی معنای یابنده ضمن اجرای کامل برنا ما همای در خارج آن صرفه جوئی شود. حال آنکه بنا به اظهارات سران حکومت حدود ۳۰٪ هزینه های عمرانی جذب نشده است. و این بمعنی حذف ۳۰٪ از برنا ما همای عمرانی است که نتیجه بلاواسطه آن افزایش بیکارانی در جامعه میباشد.

گرامی باد سالروز مبارزه دلاورانه

بقیه از صفحه ۴

و خواسته های حق طلبانه کارگران را چگونگی خواهد داد. رژیم حافظ منافع سرما به داران نشان داد که از اتحاد و مبارزه کارگران وحشت مرگ دارد. اکنون صحبت های یکی از رفقای کنونی سازمان را که در سال ۵۰ در کارخانه ارج مشغول کار بود در این رابطه بشنویم:

"خبر درگوشی سرعت بخش شد؛ جهان چیت اعتما با است. فردا از کرج به تهران راهی می کنند و قرار است کارخانه های جاده کرج به آنها بپیوندند، ارج، جنرال موتورز و غیره فردا صبح کارخانه ما (ارج) ملتهب بود ما موران امنیتی بدون مخفی کردن خود به این طرف و آن طرف می رفتند و دستور میدادند که کسی حق تکلیف نخوردن از جایش را ندارد. در بزرگ ورودی کارخانه را بسته بودند و نگهبانان با اضطراب قدم می زدند. کسانی که یکدیگر را می شناختند بهم لبخند می زدند و می گوشتند چشم زنجیره ها بر نداشتند خبر رسید تعدادی زکارگران از دیوارها به خیابان پریدند و طرف جاده فرار کردند. خبر رسید بر سر زانان را قبل از رسیدن به جاده دستگیر کردند. کارخانه متشنج شده کسی عملاً کار نمی کرد. کارگران زکارها بیرون ریختند. مزدوران نمی گذاشتند از کارخانه خارج شوند. لبها از خشم کبود

سیاست کاهش هزینه ها فقط شامل حذف طرح های عمرانی نبود، بلکه هزینه های جاری را نیز در بر گرفت. قطع اضافه کار روح مسکن و مزایای کارکنان دولت و همچنین لغو سودویژه از اقداماتی بود که حاکمیت بمنظور کاهش هزینه ها انجام داد. بعبارت دیگر در این قسمت از صرفه جوئی های دولت نیز بارها مین کسری بودجه برداشتن کارگران و کارمندان جزء سنگینی کرد. به همراه این فشارهای توانفرسا و علاوه بر افزایش قیمت محصولات دولتی، قطع هزینه های سوبسید (هزینه ای که دولت بمنظور تثبیت قیمت کالاها ضروری می پردازد) در مورد بسیاری از کالاها یکی دیگر از اقداماتی بود که گرانی را در زمان زد و فشار بیشتری بر زندگی زحمتکشان وارد کرد.

بنابراین، * * * در سال گذشته با وجود بی برنامگی کامل حاکمیت در امور اقتصادی و تغییرات مداومی که در اجرای بودجه ۵۹ صورت پذیرفت، یک سیاست مشخص از طرف حاکمیت اعمال شد و آن هم ایجاد زمینه های پلائی سودآوری برای سرمایه داران بودیژه تجار

بود و مشتها گره شده. خبر رسید که مزدوران شاه کارگران جهان چیت را به مسلسل پستند و خون سرخ جاده را پوشانده است... فریادها در گلو مانده و لبها می لرزید. بعضی ها با سختی خود را به کناره دیوارها کشا نند و بیه آرا می دریا می نکتیه کردند. بقیه هم سیگار میکشیدند...

اکنون ۱۰ سال از گلوله باران - کارگران جهان چیت می گذرد. رژیم خونخوار آریا مهری هرگز نتوانست با توسل به این شیوه ها مانع سرنگونی حکومت خویش گردد. توده ها با خواستند و در یک قیام مسلحانه رژیم شاهنشاهی را سرنگون نمودند. اما رژیم جمهوری اسلامی نیز از آنجا که ما هیتا "بورژوازی و در خدمت سرما به داران است هنوز مدت زیاد از قیام خونین خلق نگذشته بود که سرکوب و بیخون کشیدن تظاهرات و اعتصابات کارگران را آغاز نمود. حمله مسلحانه به کارگران بیکار در رود، بیکاران اصفهان و کارگران مینودر خمر مدنه که هر یک منجر به شهادت چند کارگر شد، همچنین حمله مسلحانه به تخمین کارگران کاش ملی در اسفند ماه ۵۹ نمونه های کوچکی از این موارد می باشند.

مبارزات کارگران علیه سرما به - داران، علیه دولت های حامی آنها ادامه خواهد یافت و هیچ نیروی قاندر نیست، با توسل به سرکوب و فشار جلوان مبارزه را سد کند. کارگران ایران همچنان قاطع و پیگیر مبارزه خود را ادامه میدهند، و با مبارزات خود زاه سرخ کارگران جهان چیت را ادامه میدهند، و یادشان را گرامی میدارند.

"این ستون های ستبرای انقلاب! - به بهای فخر و خانه خرابی زحمتکشان که بود؛ حاکمیت از یکطرف با قطع اضافه کار؛ حق مسکن و سودویژه و امثالهم، دستمزد و حقوق واقعی کارگران و کارمندان جزء را کاهش داد، و از طرف دیگر با افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی، قطع سوبسید و جریان انداختن سکناس بدون پشتوانه به افزایش فاسق گسیخته تورم دام زدن. و بدین طریق فشاری مضاعف را بر کارگران و کارمندان جزء وارد آورد. در حالیکه طی همین مدت، بخش خصوصی و بودیژه تجار از سودهای گزافی بهره مند شدند ولی حتی یک ریال به مالیات آنها افزوده نشد؛ اکنون با تصویب بودجه ۶۰ که ادامه همان عملکرد بودیژه ۵۹ میباشد، و در شرایطی که بحران اقتصادی انبعاثی سابقه ای یافته است، چشم انداز افزایش بی کار و گران و تشدید فلاکت زحمتکشان در سال ۶۰، قریب الوقوع می نماید. بدین ترتیب، سال ۶۰ سال افزایش نا رضایتی عمومی، حرکت های اعتراضی توده ای و اعتصابات گسترده توده ای خواهد بود.

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

در شماره قبیل در ستون یا سبخیه
سئوالات، "موقعیت انقلابی" را
مورد بحث قرار دادیم. در این شماره
در ادامه همان سئوالات "اعتلاء
انقلابی" را مورد بحث قرار میدهم.

اعتلاء انقلابی

اعتلاء انقلابی پیرو سه اصل است
که با رشد اعتصابات توده‌ای انقلابی
آغاز شده و در صورت وجود شرایط
عینی مساعد امکان دارد که
به موقعیت انقلابی بیا نجامد.
میتوان چنین بیان داشت که اعتلاء
انقلابی به مثابه مرحله‌ای از پیرو سه
رشد انقلاب محسوب میشود که دقیقاً
پیش از وضعیت انقلابی قرار دارد.
اعتلاء انقلابی توده‌ها نشانه‌ها
از خود بروز میدهد که میتوان به
صورت زیر جمع بندی این نمود:
جنبش اعتصابی رشد توده‌ای پیدا
کرده و خلعت انقلابی بخود میگیرد.
دامنه اعتصابات بطرز سریعی
بسط میابد. پراکندگی حاکم بر
آن محوشده و بتدریج بشکل سراسری
ظاهر میشود. اما این اعتصابات
بویژه اعتصابات کارگری از نسوع
معمول نمیباشد. علاوه بر شکل
سراسری، از دو خصوصیت دیگر
برخورد دارند. اول اینکه شماره
اعتصاب کنندگان به نحو روز افزونی
رویه تزايد می‌گذارد. لنین اهمیت
قابل ملاحظه‌ای به این پارامتر
(شماره اعتصابیون) میدهد. در جایی
متنزل آنرا نشانه پایان انقلاب
میگیرد. (لنین - آغاز تظاهرات
- ترجمه سازمان بیکار - صفحه ۸)
جایی دیگر آنرا نشانه اعتلاء
انقلابی. (لنین - "اعتلاء

پاسخ به سئوالات

نهفته بوده و میباشد. اینها
اعتصابات متداول نیستند، بلکه
مبین یک جهش انقلابی توده‌ای اند.
بعبارت دیگر آغاز تهاجم توده‌های
کارگر علیه سلطنت تزاری اند.
(لنین - "تفرازی در ارتش
و نیروی دریایی" - جلد ۱۸)
دیگر اعتصابات از محدوده صنفی
و حرفه‌ای خارج شده و به سطح ملی
فرامیرود.

همچنین در شرایط اعتلای انقلابی
خمودگی و ناامیدی مستولی بر روحیه
توده‌ها جای خود را به احیاء انرژی و
جنبش و جوش سیاسی میسپرد. توده‌های
منفعل حالتی فعال پیدا میکنند و
اعمال فردی آنها به اعمال توده‌ای
ارتقاء میابد. تظاهرات خیابانی و
میتینگ‌ها و فعالیتهای تبلیغی
اوج میگردد. شهرها و روستاها شاهد
قیام‌های پراکنده، خودبخودی و نیمه
خودبخودی میشوند و بسیاری از مناطقی
که تا این زمان در جنبش شرکت
نداشتنند، به جنبش میپیوندند. در
این شرایط جامعه کاملاً ملال‌سوی
را دیکالیزه شدن سوق میابد و
مبارزات انقلابی توده‌ها بصورت
سدی در برابر پیشبرد ایده‌های
فرمیستی درمی‌آید.

انقلابی - منتخ آثار - ترجمه
فارسی (دوم اینکه دوجنبه اقتصادی و
سیاسی در این اعتصابات به نحو
تنگ تنگی با یکدیگر پیوند میخورند.
کارگران و زحمتکشان شهروده،
مطالبات اقتصادی و سیاسی را بطور
همزمان پیش کشیده و علاوه بر مبارزه
برای بهبود اقتصادی زندگی روسه
و خاتم خویش، گام به گام به تعرض
علیه دولت برخاسته و به یک مبارزه
انقلابی توده‌ای برای سرنگونی
حاکمیت دست میزنند. لنین
می‌نویسد:

"اعتلای انقلابی در روسیه
آغاز شده است. اعتصابات توده‌ای
آریل و مه به نگر گذار پرولتاریای
روسه به تهاجم رسیده علیه سلطنت
تزاری میباشد. گذار برای پیوستن
زندگی کارگران در معرض تسلیم و
سرکوب ضد انقلاب سالهای ۱۹۰۸
و برای رهایی تمام خلق، برای
جمهوری دمکراتیک...
مبارزه پرولتاریا به یک
اعتصابی در سراسر روسیه
است. این اعتصابات همزمان
اقتصادی و سیاسی اند. در ترکیب
این دوجنبه است که نیروی جنبش

"اعتلاء انقلابی ممکنست سریع
باشد یا آرامونا منظم... (لنین - آغاز
تظاهرات - سازمان بیکار - صفحه ۹)
شرایط اعتلاء بخوبی بیانگر خواست توده‌ها
مبنی بر نفی "زندگی کردن بشیوه
گذشته" میباشد. این اعتلاء پیرو سه
رشد طبیعی خود، مکانیسم دولتی را
زیر تا شیر گرفته و می‌تواند آنرا از هم
بپاشاند. در این صورت توانائی
حکومت کردن بشیوه گذشته را از او
سلب می‌نماید و این هنگامی است
که وضعیت انقلابی حادث میشود و
جامعه را یک بحران انقلابی در خود
فرمیببرد.

توضیح - از رفق و هواداران سازمان در آلمان پوز می‌طلبیم که کدهای مالی ارسالی بدلیل کمبود جا خلاصه شده بود و موجب اشکالات وسوء تفاهمی گردید. مادر زحمتکش ۵۰۰ رفیق خانه دار ۵۰۰ رفیق کارگزار قائم شهز ۱۵۰۰ رفقای بابل ۲۰۲۵ رفیق ساسان دانش آموز ۲۰۰ ریال رفقای اندیمشک م - ۴۱۰۰ اشکسان ۱۰۰۰ مازادیول نوار ۲۲۵۰ دیرستانه رثونی ۲۰۰۰ آرم نواب ۵۰۰۰ آگره آرم ۱۰۰۰ مهرا ایران ۱۵۰۰	بدون حرف اول نام ۷۰۰۰ ۱۲۰۰۰ ۵۱۲ رفقا مانند شمار رسید رفیق ج کوپن - ۱۹ (نام سه) ج - ستاره ۴۸۰ ر - ۲۲۲ ه - ۱۲۶ آ - ترفقای اردبیل تشکل هواداران سچخفا آلمان غربی کالسروحه ۶۰۰۰ مارک رفقای استکهلم ۵۵۰۰ کرون رفقای آلمان غربی س - ج - ۹۵۰ - ۱۰۰۰ مارک ۷۷۷ مارک دکترها باغ ۵۰۰ مارک کمک به خانواده زندانیان انقلابی در ایران برلن غربی ۱۰۰۰ مارک	۱۴۲۸ ۵۸۴۱ ۱۱۰۰ ۲۵۵۷ ۲۵۵۵ ۷۰۰ ۱۶۹۶ ۱۲۳۲ ۱۱۲۶ ۱۴۰۰ ۲۱۱۲ ۲۲۱۲۵ ۳۰۶۶ ۴۰۹۹ ۲۷۵۰ ۱۰۸۸۸ ۱۰۱۹ ۱۹۹۹ ۵۰ ۷۲۲ ۵۲۶۶ ۲۰۸۶ ۲۴۳۲	ق ۲۲۴۰ ۲۰۴۲ ۲۲۳۲ ۵۱۰۱ ۱۶۶۶ ک ۴۱۲۲ ۵۵۷۰ ن ۱۰۲۵ ل ۱۵۸۰ ۸۳۰ م ۵۰۰۰ ۳۰۰۰ ۱۰۴۲ ۱۰۲۵ ۹۵۰ ۲۰۵۰ ۴۶۹۴ ۲۲۰۰ ۲۳۰۰ ۱۰۸۸۸ ۳۰۰۰ ۳۹۳۲ ۵۰ ۷۲۲ ۲۶۰۴ ۳۰۰۶ ۱۰۹۵ ۱۱۲۳	۲۵۲۵ ۲۷۵۲ ۳۶۰۰ ۲۷۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ط ۱۰۴۲ ع ۵۵۵۵ ۵۰۰ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱ ۵۴۲۴ ف ۵۰۰۰ ۳۰۰۰ ۱۰۴۲ ۱۰۲۵ ۹۵۰ ۲۰۵۰ ۴۶۹۴ ۲۲۰۰ ۲۳۰۰	۶۲۶ ۱۷۱۱ ۲۲۰۰ ۱۵۲۱ ۲۲۲ خ ۳۱۲۰ ر ۳۵۰۰ ۵۲۹ ۱۰۳۹ ۲۵۷۰ ۳۸۰۰ ۱۶۱۱ ز ۱۰۴۸ س ۹۱۴ ۲۰۰۰۰۰ ۹۵۰ ۲۰۵۰ ۱۱۱۱ ش ۱۱۱۵
--	---	--	---	--	--

با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید

یادآوری

چون ارسال پولهای بدون کد،
امور مالی سازمان را با مشکل مواجه
ساخته است، لذا از همه رفق و
هواداران می‌خواهیم که کمکهای
مالی خود را الزماً با یک عدد سه
رقمی و یک حرف مشخص نمایند. از
ارسال پول بدون کد خودداری
نمایند.
((امور مالی سازمان))

۵۲۰	۵۵۵	۱۰۰۰	الف
ج	۲۰۱۷	۶۱۱	۲۷۸۱
۲۰۰۲	۲۴۴۴	۹۲۸	۲۰۰۰۱
ح	۶۵۰	۲۰۰۰۱	۶۵۲
۶۵۰	۶۰۰۰	۴۰۱۱۲	۳۳۴۰
۵۸۰۰	۱۰۷۷	۲۳۰۰	۵۹
۵۶۶	۲۳۰۰		



بازداشت و زندانی کردن

سعید سلطانیپور

را محکوم می کنیم

بقیه از صفحه ۱

بازداشت سعیدسلطانپور شخصیتی که سالها در شرایط خفقان و سرکوب رژیم شاه مبارزه کرد و چندین سال در زندان بسربرد، چه معنای جز دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با نیروهای انقلابی میتواند داشته باشد؟ البته این دشمنی رژیم بر هموطنان آگاه و مبارزان ما پوشیده نیست و نمونه های آن سراغی پیدا می شود. گذشته درسیا ستهای سران جمهوری اسلامی علیه فدائیان و مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی دیده ایم. اما مسئله ای که امروز مطرح میشود اینست که رژیم در ادامه سیاست های سرکوبگرانه و اختناق خود،

در ادامه سیاست سلب آزادیهای سیاسی، توسل به ترور و در هم کوبیدن قهرآمیز اعتراضات توده ای حتی از بازداشت هنرمندان انقلابی نیز خودداری نخواهد کرد تا بحال خود بهر قیمت که شده جلورشد مبارزات توده ها و آگاهان آنها را سد کند و خود را از سقوط اجتناب نپذیرد نجات دهد. اما تاریخ مکرر این واقعیت را با ثبات رسانده است که رژیمهای ضد خلقی، حتی با توسل به فاشیستی ترین شیوه ها و بیرقهای رژیم ترور و اختناق نتوانسته اند پا به پای مبارزان حکومت خود را مستحکم سازند و به حیات تنگین خود ادامه دهند. اگر رژیم شاه توانست با انباشتن زندانها از نیروهای انقلابی، با ایجاد جوار غاب، ترور و خفقان موجودیت تنگینش را حفظ کند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست، پا به پای رژیم خود را مستحکم سازد. توسل به چنین شیوه های نژادپرستانه منجر به نجات رژیم جمهوری اسلامی نخواهد شد، بلکه نفرت و خشم توده ها را علیه این رژیم هر چه بیشتر برخواهد انگیزد و پا به پای آنرا

متزلزل تر خواهد نمود. امروز که رژیم جمهوری اسلامی به آشکارترین نحوی سیاست سرکوب و اختناق را در پیش گرفته است، امروز که رژیم میکوشد هرگونه اعتراض و هر صدای را در گلو خفه کند، وظیفه نیروهای انقلابیست که پیگیرانه در برابر این سیاستها ایستادگی کنند و رژیم را به عقب نشینی وادار نمایند. بازداشت سعید سلطانیپور مقدمه ایست برای بازداشت همه انقلابیونی که علیه سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، با افساسیاستهای سرکوبگرانه و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، با اعتراض به بازداشت سعیدسلطانپور، بمبارزه علیه سیاست سرکوب و اختناق ادامه دهیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن محکوم کردن این اقدام رژیم جمهوری اسلامی، از همه هموطنان مبارزان از همه سازمانهای انقلابی و شخصیتهای مترقی دعوت می کند که در جهت آزادی سعیدسلطانپور و هر هنرمند انقلابی از زندانها و رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند.

سابقه تاریخی

خیانت های حزب توده

بقیه از صفحه ۸

بود، در دوره ذلت شاه بدنبال متحدی دیگر در درون هیئت حاکمه و بدنبال جنجال های خوب و دوراندیش حاکمیت میکشست و بدنبال زسنگونی شاه نیز پیدا مان حاکمان جدید پیدا نبرد. حزب توده به پیرو خط امام بدل شد و در این رابطه از هیچگونه دروغ و تحریف ابا نمی کرد. این دروغها و تحریفات آنچنان گسترده و در تمام زمینه ها است که ذکر تمام آنها "هفتاد و منکا" غرضش "برای آخرین نمونه به مودی اشاره میکنیم که شاید خود آقای کیانوری هم آنرا فراموش کرده باشد! آقای کیانوری در محامای خود در مردم شماره ۱۱ میگوید "ببینید چه کسی نخستین بار آمریکا را به عنوان دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کرد... حزب توده ایران تنها نیرویی بود که دوران طولانی بکه فقط یکبار اعلام کرد که آمریکا دشمن شماره یک است. آنوقتی که حتی انقلابی ترین نیروها شکی که مورد احترام ما بودند می گفتند آمریکا دولتی است که میتوان بعنوان دوست از آن استفاده کرد... چملات بسیار معقولی است اما متأسفانه (!) حتی بین موضعگیری نیز دروغ و فریبی بیش نیست. "حزب توده" خود نیرویی بوده که در زمانی که رجال مترقی با آمریکا به ستیز برخاسته بودند فریاد میزده... آمریکا دولتی است که میتوان بعنوان دوست از آن استفاده کرد". در این مورد بهتر است به سال ۱۳۲۳ برگردیم. زمانی که آمریکا یورش خود را جهت دست اندازی به ایران آغاز کرده و

حتی یکسال قبل قرار داد تنگین بین پنتاگون و ژنرال رمری ایران بسته شده است. در این سال آقای کیانوری میگوید "اینها بداند که دوستی ایران و آمریکا بگذشتی است که فقط بر اساس قرار دادها و سیاست استوار باشد نیست. دوستی ما نتیجه یک سیاست بیطرفانه است که در از دو مملکت است... دولت آمریکا در طی تاریخ قرن اخیر خود را مدافع آزادی و دموکراسی معرفی نمود و عملاً هم این موضوع به اثبات رسیده است... ما علاقه خاصی به نگهداری این مناسبات دوستانه داریم. و به هیچ قیمتی اجازه نخواهیم داد که یکمشت ما چراغی خاشن برای ما بین منافق پست خود در این روابط که در آتیه برای ملت ایران ذیقیمت خواهد بود، اختلالاتی تولید کنند".

(زهر شماره ۲۶۲) بله! آقای کیانوری که در آن زمان "علاقه خاصی به نگهداری مناسبات دوستانه" بین ایران و آمریکا داشته و به هیچ وجه حاضر نبوده در این روابط که "در آتیه برای ملت ایران ذیقیمت خواهد بود" کوچکترین اخلاقی ایجاد شود، ایک مدعی است که "حزب توده" اولین نیرویی بوده که آمریکا را دشمن درجه یک معرفی کرده و... و این رشته سردراز دارد.

دروغ بیشتر ما نه کارگران قهرمان نفت را به خشم می آورد و در اطلاعیه ای آنرا تکذیب میکنند. اما "حزب توده" از پانمی نشیند و پس از قیام مدعی می شود که با سازمان نظامی مشکلی در قیام شرکت داشته و بیشتر تبعه دشید را نیز تقدیم خلق کرده است! "دروغ" تبعه ادا عضو حزب ما که در این پیگیر (قیام) شهید شده است از هر سازمان دیگری بیشتر است. این پرزندگان به نام "پارتیزانهای توده ای" شهرت داشتند ولی پس از انقلاب این سازمان منحل شد زیرا دیگر نیازی بدان نبود. (مردم دوره جدید - شماره ۱۱) فقط بیگ صورت میتوان این سخنان را پذیرفت و آنها اینک این سازمان نظامی حزب توده" آنچنان مخفی کار را رعایت نموده و پنهان عمل می کرد که قبل از اعلام انحلال آن توسط آقای کیانوری کسی تا مش را شنیده و نه کسی "پارتیزانهای" را دیده است! بهر صورت این دروغها جز تسمخر مردم چیزی را بدنبال نداشت اما بهر صورت حسن ختامی میگردد بر ۲۵ سال فراخا شناسه رهبران "حزب" ایران باز میگردند و با ردیگر فطی نوین در خیانت های "حزب توده" گشوده میشود "خط اصولی و منسجم". "حزب توده" اینبار بدنبال آیت الله خمینی روان میگردد. مساله جالبی اتفاق می افتد. "حزب توده" اینبار به همراه هیئتهای اشتک های مذبحا نه خود که در پیروای ز قدر تمدا را زوتغیرات آنها میزند به تقلید کورکورانه از زیگرا گهای "خط امام" نیز میپردازد. و تا جایی پیش می رود که مینویسد "انحراف از خط امام" از جانب هر کس که باشد انحراف است (مردم شماره ۱۰۸) و بدینصورت قاطعانه! اعلام میدارد حتی پرولتا را نیز حق ندارد از "خط امام" منحرف شود.

ادامه دارد

۲- دروغهایی که "حزب توده" در مورد مبارزات خود و مبارزات خلق میگوید! "حزب توده" تغییر مواضع گذشته خود را کافی نمی بیند و از این جهت سعی دارد برای خود سابقه مبارزاتی نیز دست و پا نماید تا شاید بدینطریق بتواند هر چه بیشتر در جهت نزدیکی با حاکم جدید کام بردارد.

در ابتدا "حزب توده" ادعای رهبری مبارزات کارگران غیر نفت را به پیش می کشد. "حزب توده" مدعی می شود که کارگران صنعت نفت تنها و تنها ساز او حاکمیت میکنند و در اعتصاب خود پیرو سیاستهای "حزب توده" اند (اطلاعات ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷) این

مبارزات روستائیان ترکمن صحرا برای کشت شورائی زمین ها روستای "بی بی شیروان"



روستائیان بی بی شیروان ترکمن صحرا پس از قیام طی مبارزه مسلحانه زمینداران بزرگ و فئودالها به کمک ستاد مرکزی شورا های دهقانی ترکمن صحرا اقدام به تشکیل شورا نمودند و تمام زمینهای زمینداران بزرگ را معارضه کردند. زمینداران و فئودالها که از این عمل انقلابی زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا خشمگین شده بودند از همان ابتدا دست به تفرقه افکنی میان ترکمنها و زابلی ها زدند و تبلیغات تره آگین خود سعی درنا بودا سخن شورا ها کردند، اما دهقانان روستای "بی بی شیروان" فرقی بین خود و زحمتکشان زابلی قائل نمیشدند (۷۵۰۰ هکتار از زمینهای معارضه شده را در اختیار زابلی ها قرار دادند و ۳۸۵ هکتار از زمین را از سهم خود بصورت شورائی بطور کامل به کشت گندم و پنبه اختصاص دادند. اما جهاد سازندگی و پنبه دانه بهانه شده و گدازری زمین به زابلی ها ۸۷۵۰ هکتار زمین را تصاحب کرده بود و با وجود امکانات وسیع خود فقط ۳۵۰۰ هکتار آن را زیر کشت بردند و بقیه نه تنها زمینی به زحمتکشان زابلی و غیر ترکمنها ندادند بلکه آنها را به صورت روزمزد به کارگزاران دادند.

اکنون زحمتکشان روستاهای "بی بی شیروان" بهمراه تمامی زحمتکشان ترکمن صحرا تا حدود روزگویی های این حایمان سرمایه داران و زمینداران هستند. اما دیری نخواهد پاید که این دهقانان نیز با درک حقوق خود در برابر آگاهی مبارزاتی همداستان دیگر دهقانان قریای دیگر می گردند. "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند".

روستای "یاری قی" قیه

روستائیان "یاری قی" قیه که در نزدیکی سدوشیکر قرار دارند بسیار مبارزات دلاورانه خلق ترکمنستان موفق شدند ۵۰۰ هکتار از زمینهای فئودالها را معارضه کنند و زیر کشت شورائی ببرند.

با نزدیک شدن فصل کشت اهالی این روستا شروع به آماده نمودن زمین میکنند و در تاریخ ۱۹/۱۲/۵۹ که مشغول شهمزین بودند عمداً لجه سازندگی به بهار روستا مراجعه میکنند و مانع شخم

افراد جهاد گره به جای نمی بیند اینها شروع به تهدید میکنند و میگویند اگر زمینها را بماند دهید دستگیر شدن را از آن نخواهیم کرد و همچنین تفرقه افکنی بین ترکمنها و غیر ترکمنها (زابلی ها و بلوچ ها) و به بهانه اینکه زحمتکشان حقوق غیر ترکمنها را زیر پا میگذارند و آنها را استثمار میکنند زمینها را در اختیار خود در می آورند و با اواخر مجبور میشوند نه به دستن قراردادها دهقانان به دهنده زمین زیر کشت شورائی میروند و دهقانان ۵۰ هکتار از زمینها را در اختیار غیر ترکمنها قرار میدهند که تحت نظر شورای دهقانی و با کمک صندوق شورا زمینها را زیر کشت ببرند و بدین ترتیب مسئله بنفیع زحمتکشان روستای "یاری قی" به پایان میرسد.

شیوه های جدید تروریسم

بقیه از صفحه ۲۰

هفته اخیراً کمینجر به کشته شدن هم وطنان زحمتکش ما شده بنشدت محکوم میکنیم. طوفان نفجارنا ترنک در میان نگاهرکنندگان را که در آن در پیای حکومت، سپاه پاسداران و کمیته های بخوبی نمایان اختیاری شد تریس و جوی محکوم میکنیم.

ما به هموطنان آگاه و مبارزان همدار میبندیم که رژیم جمهوری اسلامی با توسل به تروریسم و جوجا معارضه از پیش مستنجر کرده و در حال زمینبسته چینی بر یک جنگ داخلی و تشدید لیران به یک لیسان درگسرت.

ما به مردم قهرمان ایران و تمام نیروهای انقلابی مترقی همدار میبندیم که متوجه حساسیت اوضاع بوده و اجازه

خبرهای از جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۲۰
مهاباد

در جریان درگیری که در تاریخ ۲۰ به یکم فروردین بین پاسداران سرمایه و پیشمرگان خلق کرد در ۳۲ کیلومتری مهاباد در ۴۰ نفر از افراد سپاه کشته و بقیه زخمی شدند. در این درگیری یکی از پیشمرگان نخبه دموکرات نیز شهید شد. مدت کوتاهی بعد از درگیری هلی کوپترهای ارتش به مهاباد حمله کرده و چندراکت در حومه شهر برتاب کردند.

سندج

اهالی شهر سندج طبق مراسم خود روز اول فروردین به قبرستان "تایله" رفتند تا از شهدای جنبش مقاومت تجلیل کنند. مردم مریزا از شهیدی که می رسیدند سرودهای انقلابی می خواندند و از یاد می کردند. بعد از مدتی با سنگ پراکنی جاها بطرف جمعیت جوشنیر کرد و جاش ها و پاسداران دست به قبرستان نوا محاصره کرده بودند شروع به تیراندازی کردند و هنگامی که جمعیت در حال متفرق شدن بود پاسداران دست به دستگیری زدند. شازده سفرا جوانان را دستگیر کردند. در حال حاضر در شهر جواختناق و

سرکوب حاکم است، رفت و آمدها کنترل میشود و در طول روز مخصوص در مناطق شلوغ شهر، ژ - ۳ بدستان نگهبانی میدهند و یک رسی می آید ارتش مسلح به تیرها با کلبه در در شهر گشت میرند یا اینکه خلق کرد در راه بدست آوردن حقوق حقه خود میبازند اما ما میدهند اخیراً ارتشها با عتراض در مدارس زیاد بوده است و مردم همچنان کمک های بی دریغ خود را به پیشمرگان قهرمانان میرسانند.

مثلاً میتوانم بوقایع دبیرستان جامع (شاهیهورساق) اشاره کرد. مسئولان این دبیرستان چهار نفر از دانش آموزان را اخراج میکنند و نیز اعلام میدارند که دبیرستان تا امتحانات تعطیل خواهد بود و دانش آموزان فقط در ساعاتی که امتحان دارند می توانند مدرسه بیایند. روزی به نام دوم فروردین شکرنا این دبیرستان در اعتراض به این دومرود و نیز خفقان موجود دست به تحمیل میزند. ظهر همان روز زمین قبول میکنند که اولاً امتحانات روزه روز است و عموماً بینه زدن آنها در این مدت دبیرستان تعطیل نباشد. اما دانش آموزان برای رسیدن به خواسته های دیگر خود با فشار می کنند. ساعت چهار بعد از ظهر جاش ها و پاسداران بعد از محاصره کرده و وحشیانه به دانش آموزان حمله می کنند، عسده زیادی را مجروح و ۲۲ نفر را دستگیر می کنند.

فردا ۱۲ نوروز الدین دستگیر شدگان و پاسداران آموزشان جلودبیرستان تجمع کرده و خواستار آزادی آنها میشوند و حتی مدیر قول آزادشدگان را می دهد متفرق می شوند اما پاسداران که از هیچ کاری ابا ندارند و جواختناق در مقابل توده ها و سرکوب آنها چیزی نیا موخته اند، با زهم به دانش آموزان بورش میبرند و شش نفر دیگر را دستگیر میکنند و در مقابل فشار جمعیت حاضر، مجبور میشوند بلافاصله آنها را آزاد کنند.

پیشمرگان جنبش مقاومت در تاریخ سی فروردین به یک مقرنبر و هسای سرکوبگر جمهوری اسلامی در خیابان سیروس حمله کردند. در این حمله چند تن از مزدوران کشته شدند و سوزوران دیگر که دچار روست و هراس شده بودند تا صبح بدون هدف تیراندازی می کردند و خودجرات خارج شدن از مقرنستان را نداشتند.

گرامی باد خاطره ۱/۵ میلیون شهیداران منه در ترکیه

۲۴ آوریل (۱۵ اردیبهشت) مصاف بود با شهیدان لکره قتل عام یک میلیون و با نمد هزار نفر از ارمنه توسط دولت ترکیه. هفتاد و چهار سال پیش در سال ۱۹۱۵ حاکمیت جدید عثمانی که بدست "ترکهای جوان" برقرار میگردید برای سرکوب قطعی جنبشهای آزادیبخش ارمنه توسط ترومان بودی آنها را طرح ریزی کرده. بورژوازی و بنیست ترکیه قصد داشت با قتل عام ارمنه مسئله خلق ارمن را برای همیشه "حل" کرده و به نگرانیهای دولت عثمانی از جهت داخلی و خارجی خاتمه دهد! آنها ضمن میخواستند شرورتهای این خلق تحت ستم را تصاحب کرده و تمام منطقه آناتولی را به یک منطقه ترک نشین مبدل کنند.

۲۴ آوریل ۱۹۱۵ حکومت عثمانی ضدها تن از روشنفکران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، پزشکان، ... از مدنی را دستگیر کرده و با نجات مختلف از بین برد. و بدینا آن کشتار دسته جمعی بوده و هاترا زشت. ما موران جنایت کار دولت عثمانی به بهانه کوچ مردم از مناطق جنگی به نقاط امن آنها را از روستاها و شهرهای مسکونی شان خارج نموده در بین راه قتل عام کردند و با ویران کردن روستا های ارمنی شش سیای از ساکنین آنها را بقتل رساندند. هموات و بی رحمی حدود مرزهای عثمانی است. از کودکان خردسال گرفته تا افراد دگنه سال از تنگ آنان گشتند. اما سال ۱۹۱۵ نه تنها سال سیاه کشتار خلق ارمنی است بلکه سال مقاومت قهرمانان منه توده های است که در جنگی برابر حمله به آنها آفریدند.

ما خاطره ۱/۵ میلیون شهیدارمنی و دلاوریهای این خلق قهرمان را گرامی میداریم. ما بنام ستاد پیروز و کشته برای هموطنان ارمنی ما بسیار عزیز و گرامی است. همبستگی خود را با آنان اعلام داشته و مطمئن هستیم که رگوان زمینکشان و شایراقتا خلق ارمنی در مبارزه خود در کنار خلقهای ایران و ترکیه و ... علیها میریای لیسیم و بیگانه دادا گلشن به مبارزه ادامه داده و در این میان جریانات ارتجاعی نظیر - در شاکسیون را که طی یک قرن خیانته خود به توده های ارمنه ما به هیت ضد خلقی خود را نشان دادند و با تکیه بر نیروی شومسارمنی خود از نزن به اختلاعات بین خلقها در خدمت امپریالیسم سرمایه دار ریحانی ترا رگرفته اند. رسوا و طرد خواهند کرد. درود به شهدای دلاورانمنی.

رژیم جمهوری اسلامی که در هیچ مقطعی از حاکمیت خود دست از سرکوب خلقها و توده ها برنداشته است و بخصوص بدینجهت همیشه بدترین نیروی سرکوب خود را مستغرق کرده است حتی در کمرگرم جنگ با عراق اخیراً در این منطقه دست به حرکات تازه و جاساسی و نیز نقیبت نیروهای نظامی خود زده است. از جمله نقیبت یادگان سندنجد است و نیز تریک گرفتن از افراد مزدور قیاده وقت. هر روز گامهای سریع در جهت نقیبت و با سازای این ارتش دست بردارنده امپریالیسم برداشته میشود. اخیراً حدود هفتاد نفر هفت نفر از افراد قیاده وقت برای گرفتن سلاح و مهمات و تجهیزات جدید وارد یادگان سندنجد شده اند. همچنین در هفت های اخیر تقریباً هر روز و بطور مرتب سربازان جدیدی به پایتخت یادگان میا و رند و آنها را یک قسلا آمده اند. در نقاط دیگر گردسته آید تقسیم نمودن مناطق بدینوسیله که تا تاریخ بیستم فروردین چهار یا پنج هزار سرباز جدید و اردبانگان سندنجد شده اند. بهای سربازان آموزشگرفته مدت و سریع داده میشود.

شيوه‌های جدید تروریسم انفجار نارنجک در بین تظاهرکنندگان را شدیداً محکوم می‌کنیم

روز دوشنبه ۲۱ فروردین در جلوی دانشگاه تهران در شهربان نارنجک بدون صف تظاهرکنندگان سه نفر گشته و سی نفر مجروح گردیدند. این تظاهرات بدعتی و آشوبگرانه دانشجویان سازمان پیکار رجهت اعتراض به تعطیل دانشگاهها انجام گردیده بود. روزنامه جمهوری اسلامی و مقامات دولتی پیشمانه اعلام کرده اند که نارنجک توسط خود تظاهرکنندگان - پرتاب شده و این عمل بخاطر مظلوم نمایی "صورت گرفته و خواسته اند با بین ترتیب دیگران را مقصراً جلوه دهند! این سخنان روزنامه جمهوری اسلامی سخنان شاه جنایتکار را بخاطر می آورد که پس از کشتن مبارزان اعلام میکرد خودشان، خود را نابود کرده اند! و با این ترتیب جمهوری اسلامی - پاره ساری بر واقعیت کشیده و در عین حال به توجیه این جنایت فحیح عوامل خود می‌پردازد.

همچنین در چند هفته گذشته ترور - مبارزان در سراسر کشور با تعداد کثرت ای پیدا کرده است. تنها در سال جدید (که یکماه از آن گذشته) بیش از ده نفر در شهرهای شیراز، بندرعباس، قائم شهر، آمل، قزوین، کتالم، تهران با گلوله شهادت رسیده اند. مبارزان نیروهای انقلابی بموقع شدن دادیم که رژیم دست به آتش بسازی خطرناک کرده است که لهیب آتش آن قبل از همه دامن خودش را خواهد گویفت. اما حوادثی که روز دوشنبه در جلوی دانشگاه تهران بموقع پیوست بعد جدیدی از تروریسم را بنمایش گذاشت. انفجار نارنجک در بین مردم بی دفاع توسط عوامل رژیم معنی اش نبودن باب جدیدی در عرصه خشونت‌ها و سرکوبی توده‌هاست.

رژیم وقتی دید که چاقو قدری ز نظر ایجا دار عاب و ترس در بین مردم اثرش را از دست داده و مردم بدون ترس در تظاهرات شرکت کرده و به مقابله بر میخیزند، شیوه تروریسم را بکار گرفت و مبارزان را در خیابانها به گلوله بست. و اینک رژیم در این اقدام ضد انقلابی قدمی فراتر نهاده است. این عمل هدفش ایجا دترس و ارباب بین مردم و جلوگیری از شرکت توده‌ها در تظاهرات اعتراضی نیروهای انقلابی و مترقی است. این اقدام شیوه تروریستی وحشیانه است که اگر از جانب عوامل رژیم متوقف نشده و از آن جلوگیری نشود میتواند عوامل قب و پس و خمیری را بدنیال داشته باشد. ما هم چنانکه بمب گذار ریهایی چند

بقیه در صفحه ۱۹

خبرهایی از : جنبش مقاومت خلق کرد

در درگیری زحمتکشان روستای دارلک با سرکوبگران خلق کرد دههاتن از مزدوران کشته شدند

روستا روبرو شد و در مدت کوتاهی اهالی روستاهای طرف نیز به آن پیوستند. درگیری تا ساعت ۱۹ هم روزاً ادامه داشت. در این درگیری بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای سرکوبگر کشته و بیش از ۱۵۰ نفر از این مزدوران زخمی شدند. ضمناً "دو تانک آنان نیز منهدم گردید. در طی این مقاومت دلیرانه ۲ پیشمرگ حزب دموکرات و سه نفر از اهالی روستا به درجه شهادت رسیده و با خون سرخ خود پرچم رزم خلق کرد را جلایی تازه بخشیدند. این شکست فاحش رژیم بنحویه قابل توجهی روحیه خلق کرد را بالابرده و عزم آنان را پیروزی استوارتر کرده است.

یکبار دیگر خلق کرد جواب دندان شکنی به حاکمیت داد و با درهم شکستن آنها جم‌نیروهای سرکوبگرشان را داکه خلقها شکستنا پذیرند.

در ساعت ۶ صبح رزم و جهنم فروردین ماه یک ستون نظامی مرکب از افراد ارتش، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین و به همراهی ملاحظاتی این جلاد خلق کرد و ترک به اسم "پاکسازی" به روستای "دارلک" در ۱۵ کیلومتری مهاباد حمله کرده و با استفاده از تانک، توپ، خمپاره، روستا را زیر آتش گرفتند. این حمله با مقاومت قهرمانان - پیشمرگان مستقر در آبادی و ساير اهالی

بقیه در صفحه ۱۹

در درگیری‌های قائمشهر، چهار نفر شهید و گروهی مجروح شدند

دادستان و فرماندار قائم شهر در رأس چماقداران و فالانترها، به نیروهای سیاسی حمله می‌کردند

روزنامه‌های آنها را می‌چاپ و پو - سار ه میکنند که یکی از دختران مشت محکمی برده‌ها او میکوبد. مردم در اطراف آنها جمع میشوند و دفاع از دخترهای مبارز می‌پردازند، دادستان و هم‌راهانش با وضع فضاحت باری می‌گریزند. وحشیگری‌ها و ایجاد اغتشاش از سوی حزب الهی‌ها پایان نمی‌گیرد، بعد از ظهر سه شنبه اول اردیبهشت، فرماندار شهر فالانترها را جلو فرمانداری جمع میکنند و با سخنان تحریک آمیز خود، ضمن تهدید نیروهای سیاسی به سرکوب، ششوندگان خود را آماده یورش به این نیروها و برهم زدن جوش شهر میکند بعد از پایان سخنرانی! فرماندار، حزب الهی‌ها در معیت پاسداران و کمیته‌چی‌ها به (مجاور محله) و کسانی که در آنجا به بحث و گفتگو و یا فروش نشریه مشغول بودند حمله کردند. درگیری آغاز شد و تا شب بطول انجامید و طی آن سه نفر از هواداران مجاهدین خلق شهید و گروهی مجروح شدند.

رژیم جمهوری اسلامی که از آگاهی و رشدها رزات توده‌ها هراس دارد و سعی میکند با ایجاد رعب و وحشت و جو خفقان و سرکوب، مانع گسترش ماب زات آنها شود، با برپا کردن درگیری‌های خیابانی و برآه انداختن باندهای سیاه و دسته‌های حزب الهی هر روز در گوشه‌ای از میهنمان با جفحه می‌سازد و نیروهای انقلابی را ترور میکند و دست به سرکوب خلق‌ها میزند. درگیری‌هایی که تنها از آغاز سال جاری تا بحال در شهرهای مختلف صورت گرفته چندین نفر از نیروهای انقلابی را به شهادت رسانده و مجروح کرده است. از جمله در قزوین، زنجان، بندرعباس، آمل، بابل، لاهیجان، گرگان، بروجرد قائمشهر و بسیاری دیگر.

درگیری‌های قائمشهر از دو هفته قبل آغاز شد. روزیست و چهارم فروردین در حمله فالانترها و پاسداران به هواداران مجاهدین و سایر نیروهای مترقی چند نفر زخمی شدند. روزی فروردین در خیابان ساری، دادستان شهر (نعیمی) و چندتن از محافظین او و اعضای کمیته مشترک به دو دختر که نشریه مجاهد را می‌فروختند حمله کردند. دادستان انقلابی! جمهوری اسلامی

صبح روز بعد که مردم میخواستند جنازه این شهدا را تشییع کنند باهم با حمله و قیاحانه حزب الهی‌ها روبرو شدند، فالانترها که از شهرهای دیگر

بقیه در صفحه ۱۷

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر